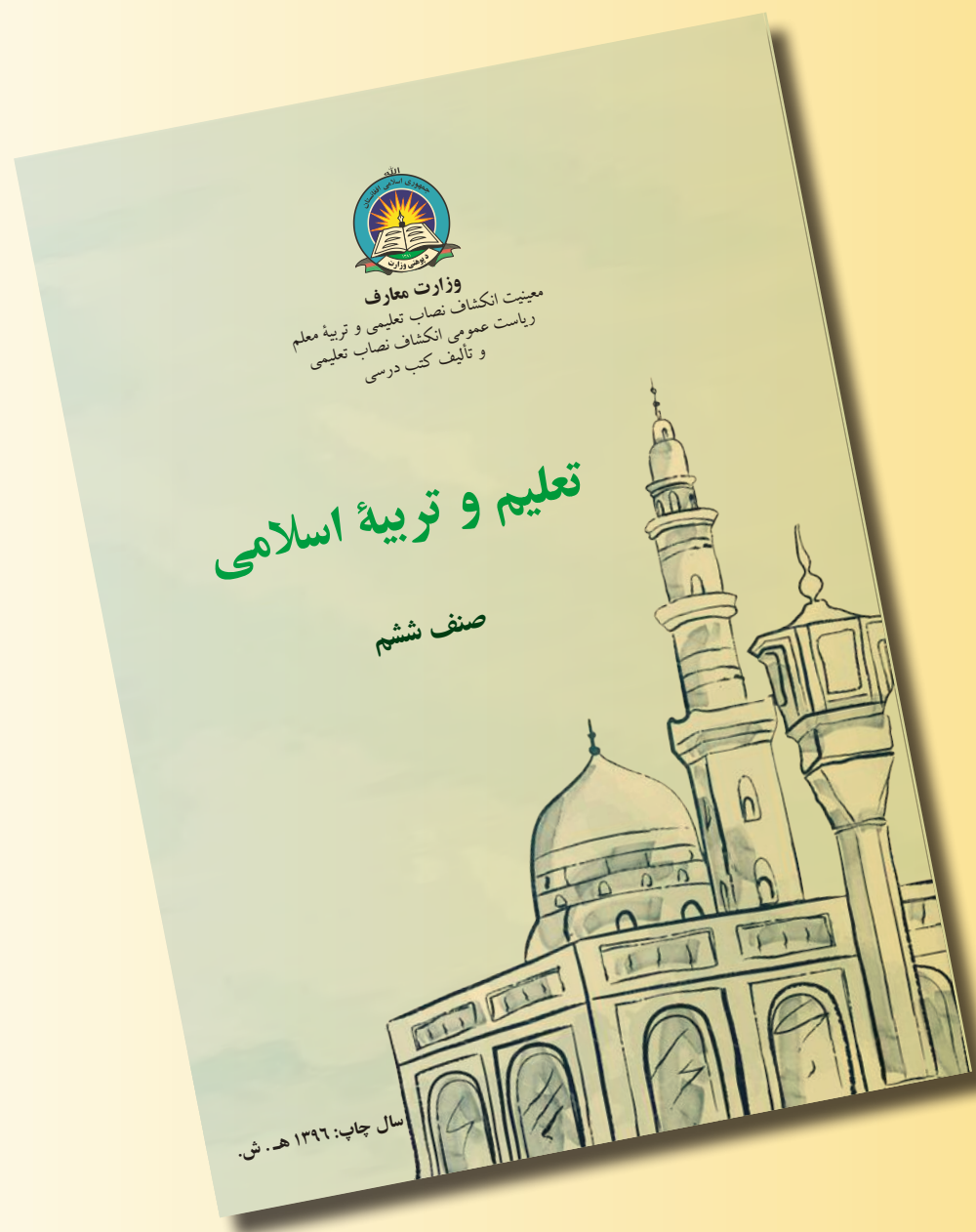




وزارت معارف
معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیة معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

کتاب معلم

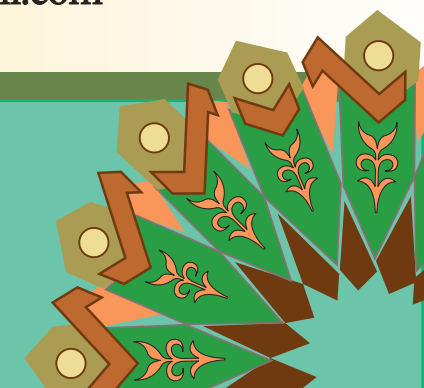
رهنمای تدریس تعلیم و تربیة اسلامی صنف ششم



کتاب های درسی مربوط وزارت معارف بوده،
خرید و فروش آن جداً ممنوع است. با متخلفین
برخورد قانونی صورت می گیرد.

moe.curriculum@gmail.com

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ. ش.





وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف
کتب درسی

کتاب رهنمای معلم

تعلیم و تربیه اسلامی

صنف ششم

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش.

مؤلفان:

- مؤلف سعید احمد شریفی

- مؤلف نورالحق عارف

- ایدیت علمی و مسلکی:

استاد گل آقا شائق

- کمیته نظارت:

- دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی و تربیہ معلم

- دکتور شیر علی ظریفی مسؤول پروژہ انکشاف نصاب تعلیمی

- دکتور محمد یوسف نیازی سرپرست ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی.

- دیزاین:

سید کاظم و عنایت اللہ غفاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ملي سرود

دا وطن افغانستان دی	دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې کور د تورې	هر بچی یې قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی	د بلوڅو د ازبکو
د پښتونانو هزاره وو	د ترکمنو د تاجکو
ورسره عرب، گوجر دي	پامپریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي	هم ایماق، هم پشه یان
دا هیواد به تل ځلیري	لکه لمر پر شنه آسمان
په سینه کې د آسیا به	لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مودی رهبر	وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف

استادان و معلمان محترم،

تعلیم و تربیه اساس انکشاف و توسعه همه کشورهای جهان را تشکیل می‌دهد، نصاب تعلیمی یکی از عناصر بنیادی و اولیة تعلیم و تربیه بوده که مطابق انکشافات علمی و نیازمندی‌های جامعه وضع می‌گردد، واضح است که انکشافات علمی و ضرورت‌های جامعه همواره در حال تطوّر می‌باشد؛ بناءً لازم است نصاب تعلیمی نیز به صورت علمی و دقیق مطابق ایجابات عصر و زمان انکشاف نماید؛ البته نباید نصاب تعلیمی تابع تغییرات سیاسی، نظریات و تمایلات اشخاص گردد.

کتاب رهنمای معلم که امروز در دسترس شما قرار دارد بنابر همین مشخصات تهیه و ترتیب گردیده است، با تکیه بر میتودهای جدید تدریس، فعالیت‌هایی در آن اضافه شده که فعال نگاه داشتن شاگردان در عملیة تدریس جزء پلان درسی گردیده است.

امیدوارم محتویات این کتاب که با استفاده از روش‌های آموزش فعال مطابق رهنمودها و پلان تعلیمی تعیین شده صورت گرفته مورد استفاده شما استادان عزیز قرار گیرد، و از اولیای محترم شاگردان نیز تقاضا به عمل می‌آید که در تعلیم و تربیه با کیفیت دختران و پسران خود همکاری متداوم نمایند، تا اهداف و آرزوهای نظام معارف برآورده گردیده، نتایج و دست آوردهای خوبی برای آنان و کشور ما داشته باشد.

باور دارم که استادان و معلمان گرانقدر ما در تطبیق مؤثر نصاب تعلیمی رسالت و مسؤولیت بزرگ خویش را اداء می‌نمایند.

وزارت معارف همواره تلاش می‌نماید تا نصاب تعلیمی معارف مطابق اساسات دین مبین اسلام، حس وطن دوستی و معیارهای علمی با در نظر داشت نیازمندی‌های مُبرم جامعه ما انکشاف نماید.

در این عرصه از تمام شخصیت‌های علمی و دانشمندان تعلیم و تربیه کشور و اولیای محترم شاگردان تمنا دارم، تا با ارائه نظریات و پیشنهادات سالم و مفید خویش مؤلفان ما را در بهبود و غنامندی هرچه بیشتر تألیف کتب درسی و رهنمای معلم یاری رسانند.

از همه دانشمندانی که در تهیه و ترتیب این کتاب سهم گرفته اند، و از مؤسسات محترم ملی و بین المللی و سایر کشورهای دوست که در تهیه و تدوین نصاب تعلیمی جدید و طبع و توزیع کتب درسی و رهنمای معلم همکاری نموده اند صمیمانه اظهار امتنان و قدردانی می‌نمایم.

و من الله التوفیق

دکتور اسدالله حنیف بلخی

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

درس اول	۱
درس دوم: اقسام حدیث	۷
درس سوم: شفاعت	۱۰
درس چهارم: مقام صحابه کرام	۱۳
درس پنجم و هشتم: سوگند و اقسام آن	۱۶
درس هفتم: شرک	۲۰
درس هشتم: انواع شرک	۲۷
درس نهم: ریا	۲۸
درس دهم و یازدهم: احکام شرعی	۳۱
درس دوازدهم و سیزدهم: فرضها و موجبات غسل	۳۴
درس چهاردهم: روزه	۳۸
درس پانزدهم: فرضیت روزه	۴۱
درس شانزدهم: اقسام روزه	۴۴
درس هفدهم: مفسدات روزه	۴۶
درس هجدهم: نماز تراویح	۴۹
درس نوزدهم: اعتکاف	۵۲
درس بیستم: صدقه فطر	۵۶
درس بیست و یکم: زکات	۵۸
درس بیست و دوم: نصاب زکات	۶۱
درس بیست و سوم: زکات غله ها، و میوه ها	۶۴
درس بیست و چهارم: زکات حیوان	۶۶
درس بیست و پنجم: مصارف زکات	۶۸
درس ۲۶ و ۲۷: حج و مسائل آن	۷۱
درس بیست و هشتم: حیاء	۷۵
درس بیست و نهم: تواضع	۷۷
درس سی ام: صلۀ رحمی	۷۹
درس سی و یکم: راستی (صداقت)	۸۱
درس سی و دوم: اطاعت والدین	۸۳
درس سی و سوم: اسراف	۸۵
درس سی و چهارم: حجاب	۸۸
درس سی و پنجم: فضایل صدقه	۹۰

درس اول

عنوان: منزلت احادیث نبوی

صفحه: ۱

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

- ۱ - دومین مصدردین اسلام را بدانند.
- ۲ - معنی و مفهوم حدیث و سنت را بفهمند.
- ۳ - جایگاه و منزلت حدیث را بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی

- تعریف سنت و حدیث:

سنت در زبان عربی، به معنای طریقه و روش است، چه طریقه و روش نیک و پسندیده باشد و چه زشت و نکوهیده.

امّاد اصطلاح، سنت در علوم اسلامی معانی و کاربردهای مختلف و متعدد دارد:

سنت در اصطلاح محدثین و علمای اصول فقه عبارت است از: قول، فعل و تقریر نبی اکرم صلی الله علیه و آله، معنای قول و فعل روشن است. امّا تقریر، عبارت از عملی است که در حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله از صحابه صادر شده باشد و ایشان آن را مورد تأیید قرار داده باشد، یا به علامت رضایت و موافقت، سکوت اختیار کرده باشد.

گاهی سنت در اصطلاح این علماء در برابر بدعت به کار می‌رود.

گفته می‌شود: این عمل سنت است یعنی: بدعت نیست، بلکه دلیلی از کتاب الله و سنت رسول الله برای مشروعیت آن وجود دارد.

سنت در اصطلاح فقهاء: سنت عبارت است از: حکمی که در درجه اهمیت پائین تر از فرض و واجب و بالاتر از مستحب باشد. می‌دانیم که در علم فقه احکام عملی مستنبط از قرآن و حدیث از نگاه درجه اهمیت دارای پنج مرتبه است: فرض، واجب، سنت، مستحب و مباح.

تعریف حدیث

حدیث از نگاه لغوی معنای جدید و نو ظهور را می‌رساند و از نگاه اصطلاحی مترادف است با همان معنای که علمای اصول فقه درباره سنت به کار می‌برند، یعنی: قول، فعل و تقریر رسول اکرم ﷺ را گویند.

در اینجا سنت و حدیث هر دو مترادف بوده و منظور از آن همان معنای می‌باشد که، نزد محدثین و علمای اصول فقه کاربرد دارد؛ زیرا هدف ما از این بحث بیان منزلت حدیث و سنت به عنوان یک دومین منبع اساسی برای شریعت اسلامی می‌باشد.

حجت و منزلت حدیث و سنت نبوی

پس از قرآن دومین منبع اسلام سنت رسول اکرم ﷺ است، و جز تعدادی اندکی از فرقه‌های منحرف بقیه مسلمانان بر حجت بودن سنت و حدیث نبوی اتفاق نظر دارند، و آن را دومین منبع از منابع شریعت اسلامی می‌دانند.

حجت بودن سنت از آن جهت است که پیغمبر اکرم ﷺ هم مبلغ قرآن است و هم مفسر آیات و مبین اسرار و اهداف و قواعد عمومی آن، و هم تفصیل دهنده احکام مجمل آن.

قرآن مبادئ عمومی و قواعد کلی و اساسات فکری و اخلاق نظام اسلامی را بیان می‌دارد، اما بیان جزئیات و تفصیلات آن را و چگونگی تطبیق عملی آن را به سنت رسول اکرم ﷺ واگذار می‌کند.

از این جهت مراجعه به سنت نبوی بخاطر شناخت تفصیلی احکام و فهم همه جانبه اسلام لازمی و اجتناب ناپذیر می‌باشد. بطور مثال امر به ادای نماز، روزه، زکات و حج که از جمله ارکان اسلام محسوب می‌شوند، در قرآن مجمل ذکر شده اما تفصیلات آن از قبیل تعداد نمازهای پنجگانه، عدد رکعات نماز، اوقات نمازها، شروط و ارکان و آداب نماز و کیفیت ادای آن، حد نصاب زکات، شروط و وجوب و ادای مقادیر آن و راه‌های مصرف آن، و به همین ترتیب ده‌ها مسئله دیگر مرتبط به فریضه روزه و سایر امور دینی و دنیوی را باید از سنت فراگرفت، لهذا خداوند جلّ و علا می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (سوره النحل آیت ۴۴).

ترجمه: و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم، تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است برای آنها بیان کنی.

وهم چنان خداوند عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (سوره آل عمران آیت ۱۶۴).

ترجمه: خداوند عَلَيْهِ السَّلَام بر مومنان منت گذاشت، هنگامیکه در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن ها بخواند، و آن ها را پا ک کند و کتاب و حکمت را به آنها بیاموزاند، و البته پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

خداوند عَلَيْهِ السَّلَام درین آیه مبارکه خبر داده که اوبه خاطر تعلیم مردم، به رسول خویش دو چیز اعطا فرموده است:

یکی کتاب که همان قرآن است و دیگری حکمت، جمهور علماء و محققین اسلام به این نظر اند که حکمت چیزی دیگری غیر از کتاب است و آن علم به احکام شریعت و اسرار دین است که از آن به سنت تعبیر کرده می شود؛ زیرا خداوند عَلَيْهِ السَّلَام حکمت را به کتاب معطوف کرده و مطابق دستور زبان عربی، عطف اقتضای مغایرت را دارد.

آیات زیاد دیگری نیز هست که، به همین معنی دلالت می کند. بطور مثال در آیه (۶۴) سوره نحل خداوند عَلَيْهِ السَّلَام تصریح کرده است که در صورتی که مسلمانان در مورد فهم آیتی یا حکمی از قرآن دچار اختلاف شوند، این رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که وجه حق در آن را بیان می دارد.

در جاهای دیگر اطاعت و تسلیم بی قید و شرط در برابر احکام و فیصله های رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بر همه مسلمانان واجب دانسته و اطاعت از او امر و نواهی رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را الزامی حکم کرده است، و در آیات متعددی اطاعت مقرون با اطاعت خداوند عَلَيْهِ السَّلَام قرار گرفته است و دوستی با خدا عَلَيْهِ السَّلَام را مشروط و مقید بر متابعت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گردانده و از مخالفت از دستاویز بر حذر داشته است، و حتی در برخی آیات مخالفت او را کفر تلقی کرده و اعراض از داوری وی را از نشانه های نفاق دانسته است. به همین ترتیب خود رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز بر لزوم متابعت سنت تأکید کرده است.

احادیثی که درین مورد از ایشان روایت شده از نگاه معنوی مجموعاً به حد توأتمی رسد از جمله فرموده است: (كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبِي قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ يَأْبَى قَالَ مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى).

ترجمه: همهٔ امت من وارد بهشت می‌شوند، مگر کسی که ابا ورزد، گفتند: ای رسول خدا چه کسی ابا می‌ورزد؟ فرمود: هر کی از من اطاعت کند وارد بهشت می‌شود، و هر کی از من نافرمانی کند، در حقیقت ابا ورزیده است.

وَنِيْزَفْرُمُوْدَه اَسْت: (اَلَا اِنِّيْ اُوتِيْتُ الْقُرْآنَ وَمِثْلَه مَعَه).

ترجمه: آگاه باشید که به من قرآن داده شده نیز چیزی مانند آن.

وَنِيْزِمِيْ فَرَمَیْد: (تَرَكْتُ فِیْكُمْ اَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوْا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِمَا كَتَابَ اللّٰهُ وَسُنَّةَ نَبِیِّهِ).

ترجمه: در میان شما دو چیز را گذاشتم، تازمانیکه به آن ها متمسک باشید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و سنت نبی او.

از همین جهت صحابه چه در زمانی زنده گی رسول اکرم ﷺ و چه بعد از آن، خود را ملزم به متابعت از اقوال، افعال و تقریرات وی دانسته، جز در مواردیکه از خصوصیات رسول اکرم ﷺ محسوب می‌شد، یا به اجتهادات دنیوی محض ارتباط می‌داشت، هرگز به خود اجازه مخالفت با آن را نمی‌دادند و در امتثال از او امر وی لحظه درنگ نمی‌کردند و تردید روا نمی‌داشتند.

ارتباط قرآن با سنت مانند ارتباط مهندس با نقشه است. اگر اداره برای ساختن یک تعمیر، نقشه مفصل آن را به دست یک مهندس ماهر - که به جزئیات و تفصیلات آشنایی کامل دارد - بدهد و او را موظف به انجام آن عمل نماید و او هم این وظیفه را به وجه احسن انجام دهد، درین صورت اگر کسی به آن ساختمان و به آن مهندس اعتنا نکرده و از روی آن نقشه عمومی و کلی در جستجوی جزئیات و تفصیلات شود، به هدف خود هرگز نایل نخواهد شد.

امام ابن حزم اندلسی می نویسد: اگر کسی بگوید: من جز به قرآن (به چیزی دیگری) عمل نمی کنم، به اجماع امت کافر می شود؛ زیرا در این صورت تنها باید خود را ملزم به یک رکعت نماز از زوال آفتاب تا نیمه شب، و یک رکعت دیگر هنگام بامداد بداند و بس چون کم ترین عملی که نام نماز بر آن واقع می شود همین یک رکعت است وحدی برای اکثرش وجود ندارد، هر کی به این باور باشد کافرو مشرک و مباح الدم می باشد زیرا در قرآن نماز بطور مطلق ذکر شده و درباره تعداد رکعات و چگونگی ادای آن توضیح داده نشده است و احادیث آنرا بیان نموده است.

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگردان
مقدمه ۵ دقیقه	<p>حین داخل شدن به صنف بعد از سلام و احوالپرسی، احوال گرفتن</p> <p>حاضری، نظم و نسق صنف، خود را برای شاگردان معرفی نموده و</p> <p>درمورد اهمیت حدیث برای شاگردان معلومات مختصر میدهد.</p> <p>بعد از نوشتن عنوان، متن درس را با آواز مناسب میخواند. برای</p> <p>شاگردان وظیفه میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند.</p> <p>با استفاده از عناوین جانبی، درس را برای شاگردان تشریح نموده</p> <p>بالای بعضی نکات مبرم ترکیز بیشتر می نماید.</p> <p>از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبه خود یک عنوان جانبی را</p> <p>شرح نمایند.</p>	مقدمه ۵ دقیقه
ارائه درس ۳۰ دقیقه	<p>برای شاگردان چند دقیقه وقت میدهد تا در رابطه به حجیت حدیث</p> <p>ازهم دیگر سؤال نمایند.</p> <p>از یک شاگرد میخواهد تا تعریف حدیث را با آواز مناسب بیان</p> <p>کند.</p> <p>شاگردان را به دو گروپ تقسیم نموده برای آنان هدایت میدهد</p> <p>اینکه یک گروپ درمورد تعریف سنت و حدیث و گروپ دیگر</p> <p>درمورد اهمیت حدیث بین هم بحث نمایند.</p>	ارائه درس ۳۰ دقیقه
خلاصه درس ۱۰ دقیقه	<p>خلاصه</p> <p>این درس در نکات ذیل خلاصه میشود:</p> <p>۱- سنت در اصطلاح محدثین و علمای اصول فقه عبارت است از:</p> <p>قول، فعل و تقریر پیغمبر ﷺ.</p> <p>۲- تقریر، عبارت از عملی است که در حضور رسول اکرم ﷺ از</p> <p>صحابه صادر شده باشد و ایشان آن را مورد تأیید قرار داده باشد، یا</p> <p>به علامت رضایت و موافقت، سکوت اختیار کرده باشد.</p> <p>۳- گاهی هم سنت در اصطلاح این علماء در برابر بدعت به کار</p>	خلاصه درس ۱۰ دقیقه

<p>۵ دقیقه</p>	<p>می‌رود.</p> <p>۴ - حجت بودن سنت از آن جهت است که پیغمبر اکرم ﷺ هم مبلّغ قرآن است و هم مفسر آیات و مبین اسرار و اهداف و قواعد عمومی آن، و هم تفصیل دهنده احکام مجمل آن. قرآن مبادی عمومی و قواعد کلی و اساسات فکری و اخلاق نظام اسلامی را بیان می‌دارد، اما بیان جزئیات و تفصیلات آن را و چگونگی تطبیق عملی آن را به سنت رسول اکرم ﷺ واگذار می‌کند.</p> <p>کارخانه‌گی : برای شاگردان وظیفه می‌دهد تا در ارتباط به تعریف و اهمیت حدیث چند سطر بنویسند.</p>	<p>۵ دقیقه</p>
----------------	--	----------------

درس: دوم: اقسام حدیث

صفحه: ۳

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

- ۱- به انواع حدیث آشنایی حاصل نمایند.
- ۲- تعریف هریک از انواع حدیث را بفهمند.
- ۳- انواع احادیث را تعریف و بیان کرده بتوانند.
- ۴- به حدیث رسول الله ﷺ علاقه مند شوند.

دانش لازمی

حدیث از دو لحاظ: متن و سند دو تقسیم دارد که در ذیل توضیح داده میشود:

اولاً- تقسیم حدیث به لحاظ متن آن:

از تعریفی که برای حدیث در درس گذشته بیان شد معلوم می شود که حدیث پیامبر ﷺ به اعتبار ماهیتش به سه نوع ذیل تقسیم می شود:

الف- حدیث قولی: آن عبارت است از احادیثی که پیامبر ﷺ آنها را در زمینه های مختلف گفته اند، مانند قول پیامبر ﷺ: (إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ).

ترجمه: اعمال به نیت ها بستگی دارد و برای هر انسانی آنچه هست که او نیت کرده است، پس هر کی به خاطر مقاصد دنیوی یا ازدواج بازنی، هجرت نماید، به دنیا دست می یابد و با آن زن، ازدواج می کند، در نتیجه دستاورد هجرت هر کس، همان چیزی است که، به خاطر آن هجرت نموده است.

وقول پیامبر ﷺ (لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ).

ترجمه: در اسلام ضرر رساندن و تحمل ضرر نیست.

در اسلام الحاق ضرر نیست، خواه بدون مقابله باشد یا بطور مقابله. و قول پیامبر ﷺ: (إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ فَلَا وَصِيَّةَ لَوَارِثٍ).

ترجمه: خداوند جلّ جلاله حق هر صاحب حق را عطاء نموده است، بنابراین وصیت برای وارث نیست، (منسوخ شده).

ب - حدیث فعلی:

آن عبارت است از: اعمالیکه پیامبر ﷺ آنها را انجام داده است. مانند ادای نمازهای پنجگانه، ادای مراسم حج، قضاوت و داوری پیامبر ﷺ.

ج - حدیث تقریری:

آن عبارت است از: اقوال و افعالی که در حضور یا در غیاب پیامبر ﷺ از اصحاب کرام صادر گردیده، ولی پیامبر ﷺ بعد از مشاهده، یا اطلاع حاصل کردن پیرامون آن سکوت کرده باشد، بنابر این تقریر پیامبر ﷺ از جمله سنت او ﷺ شمرده می شود مانند سکوت پیامبر ﷺ در مقابل نیزه بازان جوانان در مسجد و یا سکوت او ﷺ در برابر نعت خوانی دو کنیز خوردسال و امثال اینها.

ثانیاً - اقسام حدیث به اعتبار سند آن:

حدیث به اعتبار اتصال و عدم اتصال سند آن به پیامبر ﷺ به دو بخش ذیل تقسیم می گردد:

الف - حدیث مرسل: آن عبارت از حدیثی است که، تابعی در اثنای روایت آن اسم صحابی را که آن را از پیامبر ﷺ روایت کرده است ذکر نکند، بطور مثال امام مسلم در صحیح خویش از سعید بن المسیب روایت نموده می گوید: سعید بن المسیب گفت: پیامبر ﷺ از بیع مزابنه (بیعی که در آن نوعی از ضرر باشد) منع فرموده است، سعید بن المسیب یکی از تابعین می باشد، او در اینجا اسم صحابی را که این حدیث را از پیامبر ﷺ روایت نموده ذکر نکرده است بنا بر این، این نوع حدیث را حدیث مرسل می گویند.

ب - حدیث مسند:

عبارت از حدیثی است که، تابعی اسم صحابی را که آن را از پیامبر ﷺ روایت نموده است ذکر کند، حدیث مسند بر سه قسم: متواتر، مشهور و خبر واحد تقسیم می شود:

حدیث متواتر:

۱ - معنای حدیث متواتر:

آن عبارت از حدیثی است که، راویان آن در قرن اول، دوم و سوم هجری یعنی: دوران صحابه، تابعین و تبع تابعین به حدی زیاد باشند که، از نقطه نظر عقل اتفاق آنها بر کذب ممتنع باشد، مانند روایت قرآن کریم، روایت سنت های عملی پیامبر ﷺ از قبیل ادای رکعات نماز، انجام شعائر حج، مقدار زکات، کیفیت طهارت و غیره، و برخی از حدیثهای قولی پیامبر ﷺ از قبیل حدیث: (إِنَّ اللَّهَ

قَدْ أُعْطِيَ كُلُّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ فَلَا وَصِيَّةَ لَوَارِثٍ). یعنی: خداوند ﷻ حق هر صاحب حق را عطاء نموده است، بنابر این وصیت برای وارث نیست.

وحدیث: (إِنَّ كَذِبَ بَاءٍ عَلَى لَيْسَ كَكْذِبِ عَلَى أَحَدٍ، مَنْ كَذَبَ عَلَى مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا أَمَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ).
یعنی: نسبت دادن سخن دروغ به من، مانند نسبت دادن دروغ به هیچ کسی دیگر نیست، هر کس سخن دروغی را به من نسبت بدهد، جایش را در دوزخ آماده نماید.

۲ - حکم حدیث متواتر:

از آنجائیکه حدیث متواتر هم قطعی الورد از صحابه رضی الله عنهم و هم قطعی الثبوت از پیامبر ﷺ می باشد، علم یقینی را افاده می کند، پس منکر آن کافر محسوب می شود.

حدیث مشهور:

در اینجا نخست معنای حدیث مشهور سپس حکم آن را بیان می کنیم.

معنای حدیث مشهور: آن عبارت است از حدیثی که تعداد راویان آن در قرن اول یعنی: دوران صحابه به حد تواتر نرسیده، ولی بعداً مشهور گردیده باشد، و در قرن های دوم و سوم گروه زیادی از مردم آن را روایت کرده باشند که، از نظر عقل توافق آنها بر روایت خبر دروغین محال باشد.

حکم حدیث مشهور: چون حدیث مشهور قطعی الورد از صحابه است ولی قطعی الثبوت از پیامبر نیست، افاده گمان نزدیک به یقین را می دهد، پس منکر آن کافر نه، بلکه فاسق محسوب می شود.

حدیث آحاد:

۱ - معنای حدیث آحاد: آن عبارت است از حدیثی که تعداد راویان آن به حد تواتر نرسیده، و نیز بعداً مشهور نگردیده باشد.

۲ - حکم حدیث آحاد: حدیث آحاد در صورتی که مجرد از قراین باشد، افاده ظن یعنی: گمان غالب را می کند، پس عمل به موجب آن واجب می باشد.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروهی، توضیحی، تشریحی و مباحثی

درس سوم: شفاعت

صفحه: ۵

وقت: ۴۵ دقیقہ (یک ساعت درسی).

اهداف: شاگردان باید:

۱ - معنی و مفهوم شفاعت را بدانند.

۲- به انواع واقسام شفاعت آشنایی حاصل نمایند.

۳ - آیا شفاعت بدون اجازه خداوند جل جلاله شده می تواند؟ بیان کرده تواند.

دانش لازمی:

یکی از اصطلاحات عقیده اسلامی اصطلاح شفاعت است که، احیاناً مفهوم نادرستی از آن میان عوام مطرح می‌شود. بناءً لازم است در این مورد کمی روشنی انداخته شود.

تعريف شفاعت:

شفاعت در زبان عربی به معنای وساطت و میانجیگری است. و اثبات آن در آخرت از جملهٔ مسلّمات عقیدهٔ اسلامی و جزء ایمان است به روز رستاخیز محسوب می‌شود، البته شفاعت در دنیا هم وجود دارد، اما منظور از آن فقط دعاء و مسئلت در پیشگاه پروردگار توسط یک شخص زنده برای برآورده شدن حاجت شخص دیگری است، از این سبب وقوع آن پس از مرگ شفاعت کننده امکان پذیر نیست و تنها در عالم آخرت واقع می‌شود.

اقسام شفاعت:

دانشمندان اسلامی شفاعت را به پنج دسته تقسیم نموده اند:

اول: شفاعت عظمی و آن مخصوص رسول اکرم ﷺ می باشد. و آن همان امتیاز و ویژگی هست که در قرآن کریم و حدیث نبوی به عنوان مقام محمود از آن یاد گردیده است، طوریکه خداوند عزوجل می فرماید: (عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا). امید است که، پروردگارت تو را به مقام محمود (در خور ستایش) برانگیزد.

مراد از (مقام محمود) درین آیت شفاعت حضرت محمد ﷺ در روز قیامت در پیشگاه پروردگارش می‌باشد، تا باری تعالی داوری را در میان خلائق منتظر و سرگردان میدان حشر آغاز

‘‘

و نیز می فرماید: ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ لَهُمْ﴾. (انبیاء آیت ۲۸).

و آن (فرشتگان) شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که خداوند عزوجل (به شفاعت برای وی) راضی است).

در مورد شرط سوم: نصوص قرآن کریم و سنت نبوی دلا لت دارند که الله تعالی تنها برای مومنان موحد اجازه شفاعت می دهد، اهل کفر و شرک از این شفاعت بهره مند نخواهند شد چنانچه خداوند عزوجل درین مورد می فرماید:

﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ (سوره مدثر آیت ۴۸).

ترجمه: شفاعت، شفاعت کننده گان به حال آنان سودی نمی بخشد.

هم چنان رسول اکرم ﷺ می فرماید: هر پیامبری را دعای مستجاب بود، و هر کدام از ایشان در استفاده از دعای خویش عجله کردند، جز من که دعایم را برای امتم به روز رستاخیز نگاه داشتم و این دعاء إن شاء الله هر فردی از امت مرا که وفات نماید در حالیکه برای خداوند عزوجل شریک قرار ندهد شامل می گردد. (صحیح مسلم ص ۱۹۹)

ثبوت شفاعت در روز قیامت:

با مراجعه به نصوص شریعت درمی یابیم که، شفاعت عمومی در روز رستاخیز از آن پیامبر ﷺ اسلام حضرت محمد ﷺ می باشد و در محدوده شفاعت مأذون از طرف خداوند عزوجل قرار دارد. احادیث صحیح زیادی شفاعت را به اثبات رسانده است از جمله حدیثی که به روایت جابر رضی الله عنه به نقل از پیامبر ﷺ آمده است که فرمود:

(شفاعتی لأهل الكبائر من امتی).

ترجمه: شفاعتم برای مرتکبان گناهان کبیره از امتم می باشد. (رواه ترمذی و ابوداود).

درس چهارم: مقام صحابه کرام

صفحه: ۷

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درس).

اهداف درس: شاگردان باید:

- مقام اصحاب کرام را بدانند.
- به ویژگی های صحابه آشنایی حاصل نمایند.
- دوستی با صحابه را درک کرده و آنرا به دیگران بیان کرده بتوانند.
- به مطالعه سیره صحابه کرام علاقه مند شوند.

دانش لازمی

- تعریف صحابه

صحابه از صحبت به معنی همراهی نمودن بر محور اطاعت را گویند. صحابی در اصطلاح: کسی را گویند که پیامبر رادیده و به او ایمان داشته و بر اسلام وفات یافته باشد.

- مقام اصحاب کرام

مقام و منزلت اصحاب پیامبر ﷺ و نیز عدالت و درستکار بودن آنان امر بدیهی و پذیرفته شده نزد اهل اسلام است. بناء لازم می دانیم که منزلت و مقام صحابه را از دید قرآن، احادیث نبوی و اقوال علماء بیان داریم.

مقام و منزلت صحابه از دید گاه قرآن:

الف - خداوند ﷻ می فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ (سوره الفتح آیت ۱۸).

ترجمه: خداوند ﷻ از مؤمنان هنگامیکه در زیر درخت با تو بیعت کردند- راضی و خوشنود شد خدا آنچه را در درون دلهایشان نهفته بود می دانست، از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی بعنوان پاداش نصیب آنها فرمود .

خداوند ﷻ در این آیت بیان نموده است که او تعالی از مؤمنانی که در زیر درخت با پیامبر ﷺ بیعت کردند راضی و خوشنود است، چون خداوند ﷻ ایمان و صداقتی که در دلهایشان

نهفته بود را می دانست بنابر این آرامش را بر آنها فرود آورد، پس در اینجا خداوند ﷻ به صداقت و راستی ایمان این قومی که زیر درخت با پیامبر ﷺ بیعت کرده اند گواهی می دهد.

ب - ﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (سوره الحديد آیت ۱۰).

یعنی: چه عذری برای شما ست که در راه خدا انفاق نمی کنید درحالی که میراث آسمانها وزمین همه از آن اوست (و کسی چیزی را با خود نمی برد) کسانی که قبل از پیروزی فتح مکه انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلند مقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح مکه انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند ﷻ به هر دو وعده نیک داده و خدا با آنچه انجام می دهید آگاه است و پاداش آن را به شما خواهد داد.

ج - ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (سوره الحشر آیت ۹).

ترجمه: و کسانی که در این سرا (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند، هر مسلمانی را بسوی ایشان هجرت کند دوست دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند، و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند، و کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارند.

د - ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (سوره الفتح آیت ۲۹).

ترجمه: محمد فرستاده خداست، و کسانی با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان اند، پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالیکه همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند (تا آنان را به بهشت وارد نماید) نشانه (اطاعت) آنها (از خداوند ﷻ) در صورتشان در اثر سجده (و عبادت) نمایان است (مراد این است که اثر عبادت و صلاح و اخلاص برای خداوند ﷻ متعال بر چهره مومن آشکار می شود) این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان

در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس بر تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدر نمو و رشد کرده است که زارعان را به شگفتی و می دارد؛ این برای آن است که، کافران را به خشم آورد (یعنی: حق تعالی مسلمانان را بسیار نیرومند می گرداند تا مایه خشم و غیظ کافران گردند ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کار های شایسته انجام داده اند، خداوند جَلَّ جَلَالُهُ وعده آمزش و اجر عظیمی (که بهشت است) داده است. با توجه به آیات فوق روشن شد که صحابه و یاران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مقام و منزلت خاصی دارند.

مقام و منزلت صحابه از دید احادیث نبوی:

الف - عن ابی سعید الخدری قال: قال النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَسْبُوا اصحابی فلو ان احدکم انفق مثل احد ذہبا ما بلغ مد احدہم ولا نصیفہ (متفق علیہ).

ترجمه: در حق اصحابم سخنان زشت و ناشایست نگوئید، اگر یکی از شما به اندازه کوه احد طلا خرج کند باز هم نمی تواند با یکی دو مشت انفاق صحابه و حتی نصف آن برابری کند.

ب - (عن عمر قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اكرموا اصحابی فانہم خیارکم ثم الذین یلونہم ثم الذین یلونہم).
ترجمه: پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: اصحابم را احترام نمائید؛ زیرا آنان بهترین شما اند سپس کسانی که بعد از آنان هستند و کسانی که بعد از آنها اند. (رواہ النسائی).

ج - عن عمران بن حصین قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (خیر امتی قرنی ثم الذین یلونہم ثم الذین یلونہم).
ترجمه: بهترین امت کسانی هستند که، در عصر من زندگی می کنند، سپس کسانی که از پی آنها می آیند (تابعین) سپس آنانیکه به دنبال آنها می آیند (تبع تابعین). متفق علیہ.

د - عن جابر عن النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: (لا تمس النارُ مسلماً رآنی اوراً من رآنی).
ترجمه: آتش دوزخ نمی رسد کسی را مرا دیده باشد و نه کسی را که یاران مرا دیده باشد. رواہ الترمذی.

ه - (لا یدخل النارَ - إن شاء الله - من أصحاب الشجرۃ أحد الذین بایعوا تحتها).
ترجمه: - اگر خدوند بخواهد - به دوزخ نمی رود هیچ یکی از اصحاب شجره که در زیر آن بیعت نمودند.

و نیز می فرماید:

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ، وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ﴾ (مائده: ۸۹)

ترجمه: خداوند جل جلاله شما را به خاطر سوگندهای بیهوده و بی اراده باز خواست نمی کند ولی شما را در برابر سوگندهایی که از روی قصد و اراده خورده اید مؤاخذه می کند.

از عایشه (رضی الله عنها) روایت است: آیه ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ...﴾ درباره سوگندهایی مانند «نه والله» و «بلی والله» نازل شده است» بخاری

سوگند غموس (دروغ) و حکم آن:

سوگند غموس سوگند دروغ است که با آن حقوق برخی ها پایمال می شود، یا سوگندی است که با آن قصد فسق و خیانت کنند و به غموس (فروبرنده) نامگذاری شده چون باعث فرورفتن صاحبش در گناه و سپس در آتش می شود.

این سوگند از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کفاره ای ندارد، چون خداوند جل جلاله متعال می فرماید: ﴿وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ﴾. یعنی: ولی شما را در برابر سوگندهایی که از روی قصد و اراده خورده اید مؤاخذه می کند.

این سوگند منعقد نمی شود؛ چون سوگند منعقد سوگندی است که امکان دادن کفاره در آن وجود داشته باشد. و در سوگند غموس وفا به سوگند اصلاً امکان ندارد و بر کار خود یاد نمی شود خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَ تَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نحل: ۹۴)

یعنی: سوگندهایتان را در میان خود وسیله نیرنگ و فساد نسازید (و مردمان را به قسمهای دروغ گول نزنید و از راه راست بدر نکنید اگر سوگند و قسم یاد کنید و بدان وفا نکنید این امر) سبب می شود که گامهای ثابت، از جای بلغزد و به سبب جلوگیری از راه خدا دچار بلا و بدی شوید و در آخرت عذاب بزرگی داشته باشید.

طبری (رحمه الله) می نویسد:

معنی آیه ﴿وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ﴾ این است که: سوگندهای خود را وسیله فریب و خیانت در وفای به پیمانهای خود با کسانی که پیمان بسته اید، قرار ندهید، تا آنان بدین وسیله به شما اطمینان کنند در حالی که شما در دل قصد خیانت دارید. الطبری ج ۱۴/۱۶۶.



از عبدالله بن عمرو روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: (الكبائر: الإشراك بالله، و عقوق الوالدین، و قتل النفس، واليمين الغموس).

ترجمه: گناهان کبیره عبارتند از: (شریک قرار دادن برای خدا، نافرمانی والدین، کشتن کسی (به ناحق) و سوگند غموس.

از ابوهریره روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: (خمس ليس لهن كفارة: الشرك بالله عزوجل، و قتل النفس بغير حق، أو نهب مؤمن، أو الفرار من الزحف، أو يمين صابرة يقطع بها مالا بغير حق).

ترجمه: پنج گناه كفاره ندارد: شریک قرار دادن برای خداوند عزوجل، کشتن کسی به ناحق، غارت کردن (مال) مؤمن، فرار از میدان جنگ و سوگند غموسی که با آن مالی به ناحق گرفته شود.

سوگند منعده و حکم آن:

سوگند منعده سوگندی است که شخص برای تأکید انجام یا ترک کاری (در حال یا آینده و نه بر گذشته) آن را با قصد یاد می کند، و بر آن مصمم است.

اگر به سوگندش وفا کرد گناهی بر او نیست، ولی اگر وفا نکرد، باید كفاره بدهد، به دلیل فرموده خداوند متعال:

﴿وَلَكِنْ يُوَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ﴾ (بقره: ۲۲۵)

ترجمه: ولی شما را در برابر آنچه دلهایتان کسب کرده (واز روی اراده و اختیار بوده) مؤاخذه می کند.

كفاره يمين:

كفاره سوگند یکی از امور ذیل است:

۱- سیر کردن ده مسکین از غذاهای معمولی و متوسطی که به خانواده خود می دهید.

۲- لباس پوشانیدن ده مسکین.

۳- آزاد کردن غلام.

اگر کسی نتواند یکی از این موارد را به جای آورد باید سه روز روزه بگیرد.

ولی اگر بتواند یکی از سه مورد فوق را انجام دهد، جایز نیست روزه را كفاره سوگندش قرار دهد. خداوند متعال می فرماید:

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ﴾ (مائده: ۸۹)

«خداوند عزوجل شما را به خاطر سوگندهای بیهوده و بی اراده مؤاخذه نمی کند ولی شما را در برابر سوگندهایی که از روی قصد و اراده خورده‌اید مؤاخذه می کند، کفاره این گونه سوگندها عبارت است از: خوراک دادن به ده نفر مسکین، از غذاهای معمولی و متوسطی که به خانواده خود می دهید یا جامه دادن به ده نفر از مساکین و یا آزاد کردن برده‌ای، اما اگر کسی (هیچ یک از این سه کار را نتوانست و توانایی انجام آنها را) نیافت، سه روز روزه (بگیرد) این کفاره سوگندهایی است که می‌خورید.

درس هفتم: شرک

صفحه: ۱۳

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم و معنی شرک را بدانند.
- شرک چگونه یک عملی است؟ را بفهمند.
- مواردی که از اعمال شرک شمرده می شود بیان کرده بتوانند.
- از عمل شرکی متنفر شوند.

دانش لازمی:

قبل از اینکه به بیان انواع و اقسام شرک برویم، در نخست لازم است معنی و مفهوم، اضرار آن را و نیز پیکار اسلام با شرک را بشناسیم، زیرا شناخت انواع و اقسام شرک وابسته بر شناخت معنی و مفهوم آن می باشد.

تعریف شرک:

شرک: شرک کلمه عربی بوده و نیز یکی از اصطلاحات قرآنی است که بیشتر از آن در کلام خداوند جل جلاله به کار برده شده است در لغت به معنی سهم شدن در چیزی و یا سهم گرداندن چیزی را گویند و شریک را از آن جهت شریک می گویند که در چیزی با هم سهم اند. و شرک در اصطلاح: یعنی شریک قرار دادن چیزی یا کسی در ربوبیت خداوند جل جلاله یعنی در ذات، افعال و صفات او، یا در الوهیت خداوند جل جلاله یعنی در معبودیت او، یا در هر دوی آن است این موضوع در بحث توحید بیان می شود زیرا این مسئله یکی از لوازم توحید است توحید یعنی یکتا دانستن خداوند جل جلاله در ربوبیت و الوهیت است، پس شرک درست در نقطه مقابل توحید قرار دارد.

پیکار اسلام با شرک:

اسلام به منظور نجات انسان از هر ذلتی در برابر هر موجودی بجز ذات الله، به مبارزه بر خواسته و می خواهد که عبادت و طاعت و خشوع تنها برای کسی باشد که دایمی است و تغیر در او راه ندارد.

و از طرف دیگر اسلام به همان پیمانۀ ای که به توحید اهمیت قایل است، به همان پیمانۀ در برابر شرک حساسیت نشان میدهد، و هر پندار و گفتار و کرداری که در آن شرک وجود داشته باشد و

یا احتمال شرک در آن متصور باشد و منتهی و مفضی به شرک شود قاطعانه برخورد مکیند، و مردود می‌شمارد و بر ضد آن مبارزه می‌کند، قرآن شرک را ظلم عظیم و گناه نا بخشودنی (در آخرت) خوانده می‌فرماید:

﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ - لقمان: (۱۳).

و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ النساء آیت (۴۸).

ترجمه: مسلماً خداوند جلّ و علا هرگز شرک نمی‌بخشد و پایین تر از آن را برای هر کی بخواهد ((و شایسته بداند)) می‌بخشد و آن کس که برای خدا شریکی قرار دهد گناه بزرگی مرتکب شده است.

اسلام برای حفظ عقیده ناب توحیدی و انحصار ربوبیت و الوهیت در ذات اقدس آفریدگار عالم و تخصیص عبادت و پرستش برای او و تنزیه او از شریک و نظیر. مثل و همتا، با هر گونه اوهام و خرافات اعلان جنگ داده او همه دروازه‌هایی را که از آن بوی شرک می‌آید، مسدود کرده است. بطور مثال رسول اکرم ﷺ از مراجعه به کاهنان و غیب‌گویان و تصدیق اقوال آنان سخت منع کرده، می‌فرماید:

(مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ).

یعنی: هر کی نزد غیب‌گوی برود و آنچه را که او بگوید تصدیق و باور کند، در حقیقت بر آنچه بر محمد نازل شده کفر ورزیده است.

همچنان اسلام از غلو و افراط در تعظیم و احترام پیامبران، امامان و صالحان به شدت نهی می‌کند. چنانچه خداوند جلّ و علا اهل کتاب ((یهود و نصاری)) را که در باره حضرت عزیر و حضرت عیسی دچار غلو شدند، مخاطب قرار داده می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ﴾. سوره المائدة (۷۷).

ترجمه: ای اهل کتاب در دین خود به ناحق غلو نکنید " علتی که در اسلام در این مورد تا این حد سخت‌گیری نشان داده این است که، بشریت اولین بار از همین طریق در گودال شرک و کفر سقوط کرده است. چنانچه رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: ((يَا كُفَّاهُ وَالْغُلُو فَإِنَّمَّا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْغُلُو)) مسند الاحمد و سنن الترمذی -

ترجمه: از غلو و افراط و زیاده روی، اجتناب کنید؛ زیرا امت های پیش از شما را غلو در هلاکت انداخت "

همچنان، امام بخاری از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت می کند که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا بعثت حضرت نوح علیه السلام مردم همه موحد بودند و اولین بار در زمان حضرت نوح علیه السلام بود که شرک ظهور کرد، و علت آن این بود که در میان قوم نوح افراد صالحی به نام های ودّ، سُواع، یغوث و یعوق ونسر وجود داشتند که، از اعتبار و نفوذ معنوی زیادی برخوردار بودند و زمانی که ایشان وفات کردند، پیروانشان از فرط محبت و علاقمندی به آن ها تندیس ها و تمثال های ایشان را درست کرده بطور یادگار در مراکز و محافل خویش نصب نمودند، تا با دیدن تصویرهای ایشان یاد آنها در خاطره ها ایشان زنده شود و شوق عبادت پروردگار در دل ها ایشان بیشتر گردد. اما چند نسل بعد هدف اصلی فراموش گردید و با تلبیس ابلیس، هر کدام از آن مردان صالح به خدای مستقل مبدل گشته همراه آفریدگار جهان به پرستش گرفته شدند ۱

و هم چنان کنفویسوش، زرتشت، بودا، مهاویرا و اخیراً حضرت عیسی هیچ کدام ادعای الوهیت نداشتند و خود را از سطح یک معلم یا مرشد و یا پیامبر بالاتر نمی دانستند، بعد از مرگشان در اثر غلو و افراط پیروانشان آنها را به مقام الوهیت رساندند، از همین جهت اسلام این دروازه را برای همیشه مسدود نگه داشته همواره بر ضرورت تفریق میان مقام الوهیت و مقام عبودیت تأکید ورزید است. بطور مثال در کلمه شهادت که روزانه ده ها مرتبه از جمله در آذان ها و نمازها بطور مخفی و علنی تکرار می شود، پس از ذکر الوهیت پروردگار بلافاصله بر عبودیت و بندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله تأکید می نماید. و خود آن حضرت صلی الله علیه و آله امر می کند که: (لَا تُطْرُونِي كَمَا أَطْرَتِ النَّصَارَى ابْنُ مَرْيَمَ إِنَّمَا أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ).

ترجمه: در ستایش من زیاده روی نکنید، همچنان که نصارا در ستایش پسر مریم زیاده روی کردند من تنها بنده خدا و فرستاده اویم.

از آنجا که غلو و زیاده روی در تعظیم انبیاء و اولیا و صالحین، اکثراً بعد از مرگشان و بر سر قبرهایشان صورت می پذیرد، دین اسلام به خاطر جلوگیری از این امر، نماز خواندن یا عبادت کردن بر سر قبرها و به سوی آن ها را ممنوع قرار داده است. چنانچه رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: (لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسْجِدًا).

ترجمه: نفرین خدا بر یهود و نصارا که قبور پیامبران شان را عبادتگاه ساختند.

همچنان پیامبر اکرم ﷺ به منظور جلوگیری از تعظیم قبور صالحین از نشستن بر سر آن ها و از اعمار ساختمان بر فراز آن ها بطور مطلق نهی فرموده است.

علمای حنفی، از جمله امام محمود آلوسی، مولانا شبیر احمد عثمانی، علامه ظفر احمد عثمانی، با استناد به این حدیث، بر حرمت احداث تعمیر بر سر آن ها، حکم داده این عمل را وسیله و ذریعه برای شرک دانسته اند.

اضرار شرک

شرک ضرر و زیان های زیادی دارد که برخی از آن ها از این قرار است:

۱- گناه نابخشودنی است:

شرک گناه نابخشودنی است، چنانچه خداوند ﷻ می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ النساء آیت (۴۸).

ترجمه: مسلماً خداوند ﷻ هرگز شرک را نمی بخشد و پایین تر از آن را برای هر کی بخواند.

۲- سبب نابودی عمل می گردد:

شرک سبب نابودی و محو اعمال می شود، و تمام کار های خوب انسان توسط شرک نابود میشود. پس شرک با خداوند ﷻ مانند زهر خوردن است که تمام زحمت های عمر را نابود می کند طوری که خداوند ﷻ می فرماید:

﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبَطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ انعام آیت (۸۸).

ترجمه: هر گاه به خداوند ﷻ شرک ورزند تمام اعمال آنان حبط و نابود می گردد.

۳- اضطراب و تشویش را به بار می آورد:

این یک حقیقت است که انسان نمی تواند همه مردم را از خود راضی نگه دارد چون تعداد مردم زیاد اند و هر کدام توقعات خود را دارند، انسان وقتی در برابر تقاضاهای گوناگون قرار می گیرد دچار اضطراب و تشویش می شود، زیرا رضایت هر فرد و گروهی باعث ناراضی شدن شخص و گروهی دیگر می شود اینجاست که، مسئله توحید و شرک به میان می آید، انسان موحد تنها در فکر راضی ساختن خداوند ﷻ است وی هیچ توجهی به این ندارد که، مردم و یا گروه ها چی می خواهند و در نتیجه از آرامش خاصی برخوردار می شود.

در ارتباط به مطلب فوق به دو آیت قرآن کریم توجه کنید:

﴿أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ یوسف (۳۹).

ترجمه: آیا انسان چند ارباب داشته باشد بهتر است یا تنها یک خدای واحد و قهار؟

یعنی: انسان در فکر راضی کردن یک خدا باشد، آرامش دارد یا در فکر راضی کردن چندین خدا آن هم با سلیقه ها و طبیعت های گوناگون.

ب - (ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا .

ترجمه: خداوند ﷻ مثلی زده است مردی را که مملوک شریکانی است که درباره او همیشه با هم به مشاجره مشغول اند، و مردی که تنها تسلیم یک نفر است آیا این دو یکسانند؟

این دو آیت فوق مطلب ما را بسیار خوب توضیح میدهند اکنون شما بگویید: اگر کسی تنها تسلیم یک نفر باشد در آرامش است یا کسی که تحت سرپرستی چند نفر شریک بد اخلاق باشد.

۴- تزلزل در شخصیت:

قرآن کریم می فرماید: ﴿وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾ حج آیت (۳۱).

ترجمه: کسی که به خداوند ﷻ شرک بورزد، مانند آن است که از آسمان پرتاب شود، و مورد هجوم پرندگان قرار گیرد و طعمه آنها شود و یا توسط بادی تند در جای دور افکنده شود.

۵- اختلاف و تفرقه در جامعه:

در جامعه توحیدی، فقط یک حکم و قانون وجود دارد، آن هم حکم و قانون خداوند ﷻ می باشد اما در جامعه شرکی، به جای یک قانون، مقررات و راه های متفاوتی به وجود می آید و هر کسی در فکر و تأیید همان راه و چیزی است که، به وجود آورده طوریکه قرآن می فرماید: ﴿إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا﴾ احزاب (۶۷).

ترجمه: ما رؤسا و بزرگان خویش را اطاعت کردیم " و مردم در فکر برتری جویی بر یکدیگر هستند و هر حزب و گروهی فقط به آنچه نزد خود شان است دل خوش می کنند و کاری به حق و باطل ندارند، تنها به مفکوره و راه خود اصالت قایل هستند و برای مخالفان خود هر چند حق به جانب هم باشند ارزشی قایل نیستند طوریکه قرآن می فرماید: (كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ) الروم آیت (۳۲).

ترجمه: هر گروهی به آنچه نزد آنهاست دل خوش کردند.

درگیری ها و تفرقه های اجتماعی از آثار شرک است طوریکه قرآن کریم می فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۱) مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا﴾ الروم آیت ۳۲.

۶- سبب تذلیل و اهانت انسان می‌گردد:

شریک گرفتن به الله تعالی در حقیقت توهین کرامت انسانی و تذلیل حیثیت او محسوب می‌گردد؛ زیرا الله تعالی همراه با علمی که به انسان داده تمام موجودات زمین و آسمان را برای انسان مسخر گردانیده است؛ ولی انسان با وجود این فضیلت و امتیاز قدر خود را نشاخته و عناصر و اجزای این کائنات را (که الله تعالی برایش مسخر گردانیده) برای خود اله و معبودان گرفته و به آن تضرع و بنده گی می‌نماید و بدین ترتیب حیثیت خود را پائین می‌آورد الله تعالی در این مورد می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ فصلت: ۲۷.

ترجمه: از دلائل قدرت او (الله) شب و روز و آفتاب و مهتاب است سجده نکنید افتاب و مهتاب را و سجده کنید الله را که آفرید این چیزها را اگر هستید که خاص او را عبادت می‌کنید.

۷- آشیانه خرافات است:

شرک ظلم بزرگ است: خداوند جلّ و علا شرک را ظلم بزرگ خوانده است و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ سورة لقمان. مشرک بر خلاف حقیقت یک چیز را به خدایی گرفته و کسی دیگر جز الله تعالی را رب خود می‌گوید پس این ظلم است که در مقابل خداوند جلّ و علا نموده است زیرا خود را بنده مخلوقی مثل خود گردانیده در حالیکه الله تعالی او را از او حُرّ (آزاد) خلق نموده است؛ و همچنان این عمل وی بر دیگران نیز ظلم است؛ زیرا به او آنچه را قائل شده که حق او نیست.

۸- مصدر خوف و بی اطمینانی است:

چون کار درست را اختیار نکرده است. عقل وی هم اطمینان کامل پیدا نمی‌کند؛ پس از جوانب مختلف در هراس و او هام می‌باشد و خداوند جلّ و علا این مطلب را چنین بیان می‌کند: ﴿سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا﴾ آل عمران: ۱۰۱

ترجمه: اکنون می‌افکنیم در دل‌های کافران هیبت را به آن سبب که شریک قرار دادند با الله چیزی را که فرود نیاورده الله به آن هیچ دلیل.

۹- سبب تأخیر کارهای مفید می‌گردد:

شرک بنا بر عقیده‌ی که الهه و معبودان در مورد جرائم وی نزد الله شفاعت او را خواهند کرد به اتکا و توکل بر مشفعین مرتکب انواع گناه و جرائم می‌گردند خداوند جلّ و علا در این مورد می‌فرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ﴾ یونس: ۱۸

ترجمه: و می‌پرستند این مشرکان به جز الله چیزی را که ضرر نکند ایشانرا و سود نرساند ایشانرا میگویند (مشرکان) این ها شفیعان ما اند نزد الله.

برخی از اعمال شرک:

۱. هرگونه عبادت مالی و بدنی که برای شخصی من حیث عقیده صورت گیرد.
۲. نسبت دادن هرگونه علم غیب به شخصی.
۳. هر ذبحی که به غیر نام الله صورت گیرد.
۴. هر نذریکه برای غرض نزدیکی به غیر از خداوند جل جلاله باشد.
۵. سوگند یاد کردن به غیر الله در حال داشتن اعتقاد و احترام.
۶. استفاده از گره ها (بندک) مُهره ها و امثال آن به امید شفاء.
- ۷- عمل سحر، کهنات و جادو و فال حرام از جمله شرکیات محسوب می‌شود و کسانی که به آن اعتقاد و باور دارند مشرک هستند زیرا در سحر علاوه از خداوند جل جلاله از جنیات و شیاطین استعانت خواسته می‌شود.

درس: هشتم: انواع شرک

صفحه: ۱۵

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی)

اهداف درس: شاگردان باید:

- انواع شرک را درست بفهمند.
- تعریف هر یک از اقسام شرک را بدانند.
- شرک خفی را بیان کرده بتوانند.
- بدانند که شرک ظلم بزرگ است.

دانش لازمی

شرک اصغر

شرک اکبر

عبادت به غیر الله، شریک ساختن غیر در ربوبیت و الوهیت و یا برابر کردن غیر الله با الله تعالی را شرک اکبر گویند.

و آن عبارت از گناهی است که اگر انسان بر آن بدون توبه بمیرد به هیچ صورت بخشیده نمی شود، چنانچه الله تعالی میفرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ نساء: ۱۱۶

ترجمه: هر آئینه الله نمی بخشد کسی را که شرک آورد بروی و میامزد سوی شرک کسی را که بخواهد (که برایش مغفرت نماید) هم چنان در رابطه با شرک اکبر الله تعالی می فرماید.
(مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ).



درس نهم: ریا

صفحه: ۱۷

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

- معنی و مفهوم ریا را بدانند.
- از حکم شرعی ریا معلومات بدست بیاورند.
- ریا چه زیان و اضرار تربیتی دارد؟ بیان کرده بتوانند.
- باور کنند که ریا شرک اصغراست.
- از تمام انواع شرک خود داری کنند.

دانش لازمی

- معنی و مفهوم ریا:

ریا در اصل از کلمه «رؤیت» گرفته شده است و به معنای تظاهر کردن به نیکی، دورویی و نفاق و انجام کار برای نشان دادن به دیگران آمده است.

در اصطلاح عبارت است از آنکه انسانی بخواهد با ارائه کارهای نیک مقام و منزلتی در دل مردم پیدا کند. یعنی فرد در حضور مردم برای کارهای نیک شاد و شتابان بوده و در تنهایی بی حال و کسل باشد، چنانچه از او تعریف کنند سعی و تلاش کرده و اگر از او بد بگویند کم کاری می نماید معلوم می شود این شخص ریا کار است.

خداوند متعال ویژگی های ریاکاران منافق را این چنین بیان می کند:

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ نساء: ۱۴۲.

ترجمه: منافقان با خدا نیرنگ می کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز می ایستند با کسالت بر می خیزند و با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند.

ریا کاری جزء صفات منافقان است و انسان مسلمان تا جاییکه ممکن است باید از آن دوری نماید و قلب و نیت درونی اش را پیوسته برای خداوند ﷻ پاک و خالص نگه دارد، پیامبر اسلام ﷺ فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَادِكُمْ وَلَا إِلَى صُورِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ﴾ (مسلم).

ترجمه: همانا خداوند جَلَّ جَلَالُهُ به تن ها و پیکره های شما نمی نگرد، بلکه به دلها و اعمال شما می نگرد.

ریاکاری شرک اصغر است:

مسلمان ریا نمی ورزد زیرا که ریا شریک قرار دادن با خداوند جَلَّ جَلَالُهُ است. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:
(إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي الْإِشْرَاقَ بِاللَّهِ، أَمَا إِنِّي لَسْتُ أَقُولُ: يَعْبُدُونَ شَمْسًا وَ لَا قَمَرًا وَ لَا وَثْنًا، وَلَكِنْ أَعْمَالًا لَغَيْرِ اللَّهِ وَ شَهْوَةً خَفِيَّةً). [ابن ماجه]

ترجمه: بیشترین ترس و نگرانی من برای امتم تنها شرک به خداست، منظور من این نیست که: آن ها خورشید یا ماه و یا بت خواهند پرستند، بلکه کارهایی بخاطر غیر خدا و شهوت و تمایل پنهانی می کنند .

و نیز فرموده است : (إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ الشَّرْكَ الْأَصْغَرَ، قَالُوا: وَ مَا الشَّرْكَ الْأَصْغَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الرِّيَاءُ، يَقُولُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ - إِذَا جُرِيَ النَّاسُ بِأَعْمَالِهِمْ - اذْهَبُوا إِلَى الَّذِينَ كُنْتُمْ تَرَاءُونَ فِي الدُّنْيَا؛ فَانظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ عِنْدَهُمْ جِزَاءً؟) [احمد].

ترجمه: بیشترین ترس من درباره ی شما شرک کوچکتر است، گفتند: یا رسول الله، شرک کوچکتر چیست؟ آن حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ریا، خداوند جَلَّ جَلَالُهُ عزوجل در روز قیامت و هنگام جزا و پاداش اعمال مردم می فرماید: بروید نزد آنان که در دنیا برای آنان ریا می ورزیدید؛ ببینید آیا پاداشتان را نزد آنان می یابید؟.

به این ترتیب فرد ریاکار پاداشی در برابر کاری که می کند دریافت نمی نماید؛ چون هدف او از آن عمل کسب خوشنودی مردم و مدح و ستایش آنان و دست یافتن به منزلت در بین دیگران بوده است و چیزی در قیامت به عنوان پاداش نخواهد داشت.

جای ریاکار در آتش است: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در یکی از جنگها به یاران خویش خبر داد که فلان کس داخل آتش (جهنم) خواهد شد، فرد مذکور هم همراه مسلمانان در نبرد شرکت داشت. به کارهای آن مرد نگاه کرده و او را در نظر گرفتند تا ببینند قضیه ی او چیست؟ اما مشاهده کردند به سختی در حال نبرد می باشد. صحابه تعجبشان افزون شد ولی کمی بعد چیز عجیبی رخ داد. مرد جنگجو دچار جراحتی شد و شمشیرش را برداشته و با آن به خود ضربتی وارد ساخت. آنگاه صحابه به او گفتند: وای بر تو! آیا خودت را به قتل می رسانی؟ مرد پاسخ داد: من برای آن می جنگیدم تا دیگران بی پروایی مرا دیده و به شجاعت من پی ببرند. آن مرد فوت کرده و سخن رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره اش صدق کرد. همچنین پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ما را با خبر ساخته است که ریاکاران

اولین گروه عذاب شوندگان در روز قیامت می باشند. سه گروه نخست وارد شوندگان به آتش جهنم اینان هستند: عالم، قاری قرآن و شهید! ریاکار، چون در اعمالشان آن را خالص و پاک برای خداوند ﷻ نه نموده و از آن کارها خوشنودی خدا را منظور نداشتند.

ریا عبادت ها را باطل می کند

وقتی انسان عبادتی را بدون اخلاص به جای می آورد، درمقابل آن هیچ گونه اجر و پاداشی را دریافت ننموده و درعوض مرتکب گناه و مستحق کیفر می گردند؛ چرا که آن را خالص و پاک برای پروردگار جهانیان نگردانیده است.

فرموده خداوند ﷻ است که: (فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يُرَآؤُونَ (۶) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)).

ترجمه: وای بر نمازگزاران، آنان که از نمازشان غافلند. آنان که ریا می کنند. و از [دادن] زکات [و وسایل و مایحتاج خانه] خودداری می ورزند.

کسانی که صدقه و خیرات می دهند و بخاطر کارهایشان منت نهاده و آن را خالص برای خداوند ﷻ انجام نمی دهند، درعوض صدقات خویش اجری از جانب خدا دریافت ننموده و مانند زمین سفت و سختی می شود که در آن هیچ کشتی و کاری به عمل نمی آید، که در قرآن در وصف ریاکار آمده است:

﴿فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره: ۲۶۴)

ترجمه: پس مثل او همچون مثل سنگ خارایی است که بر روی آن، خاکی (نشسته) است، و رگباری به آن رسیده و آن (سنگ) را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان (یعنی: ریاکاران) نیز از آنچه به دست آورده اند، بهره ای نمی برند.

خداوند ﷻ عزوجل عبادت ریاکاران را برایشان بیهوده و بی فایده دانسته و می فرماید :

﴿وَقَدْ مَنَّا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾ . (فرقان: ۲۳).

ترجمه: و به هر گونه کاری که کرده اند می پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می سازیم.

درس دهم و یازدهم: احکام شرعی

صفحه: ۱۹ و ۲۱

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

- تعریف و حکم شرع را بفهمند.
- انواع و اقسام شریعت را بدانند.
- هریک از اوامر و نواهی را تعریف کرده بتوانند.
- حرام چیست؟ و حلال چیست؟ هریک را با بیان مثال از قرآن و حدیث بتوانند توضیح دهند.
- برای فهم و فراگیری احکام شرعی علاقه مند شوند.

دانش لازمی:

تعریف حکم:

حکم ازدیدگاه علمای اصول فقه عبارت است از: خطاب خداوند جل جلاله که به طریق اقتضاء یا تأخیر یا وضع، به اعمال مکلفین تعلق پیدا می کند.

منظور از خطاب خداوند جل جلاله کلام مستقیم او یعنی قرآن و کلام بالواسطه ی او یعنی سنت، اجماع و سایر ادله ای است که خدای متعال برای شناخت احکام خود قراردادده است.

منظور از اقتضاء طلب و درخواست است، خواه طلب انجام فعل باشد یا طلب ترک آن، و خواه این دونوع طلب الزامی و اجباری و خواه برسیل ترجیح.

مراد از تأخیر، مساوی بودن انجام و ترک فعل برای مکلف بدون ترجیح یکی از آنها بردیگری و مباح ساختن هر دوی آنها برای مکلف میباشد.

منظور از وضع قرارداددن یک چیز به عنوان سبب یا شرط و یا مانع برای چیزی دیگر است.

انواع حکم شرعی

علمای اصول حکم را به دودسته تقسیم می کنند:

- ۱ - حکم تکلیفی یعنی: حکمی که یا مقتضی طلب انجام فعل یا مقتضی دست برداشتن از آن و یا مقتضی تأخیر بین انجام و ترک فعل را داشته باشد.

۲- حکم وضعی

یعنی حکمی که مقتضی قراردادن یک چیز به عنوان سبب یا شرط یا مانع برای یک چیز دیگر باشد.

انواع حکم تکلیفی

بیشتر علمای اصول فقه حکم تکلیفی را به پنج نوع تقسیم می کنند که عبارتند از:

۱- واجب و یا ایجاب.

۲- مندوب و یا ندب.

۳- حرام و یا تحریم.

۴- مکروه و یا کراهت.

۵- مباح و یا اباحت.

تعریف واجب

واجب در اصطلاح شرعی، عملی است که شارع انجام آن را به صورت الزامی طلب کرده باشد به نحویکه تارک آن مورد سرزنش قرار گیرد و این سرزنش هم همراه با عقاب و مجازات باشد و فاعل آن مورد ستایش و تمجید قرار می گیرد و این ستایش و مدح همراه با ثواب است. جمهور علما فرض را واجب میگویند ولی احناف از جهت دلیلی که لزوم انجام فعل با آن ثابت شده است، میان آن دو فرق می کنند.

تعریف مندوب (مستحب)

ندب به معنی دعوت و فرا خواندن به کار مهم است و مندوب به معنی چیزی است که فرد به آن فرا خوانده شده است.

اما در اصطلاح چیزی است که شارع انجام آن را به صورت غیر الزامی طلب کرده است، به نحویکه فاعل آن مورد مدح قرار گرفته، ثواب می برد اما تارک آن مورد ذم و عقاب قرار نمی گیرد، گاهی باخاطر ترک برخی از انواع مندوبات مورد سرزنش قرار می گیرد.

تعریف حرام

حرام آن است که شارع به صورت الزامی و حتمی از مکلف خواسته است که از آن خودداری کرده دست بردارد و در نتیجه، تارک آن مأجور و مطیع بوده، انجام دهنده آن گناهکار و عاصی محسوب میگردد، خواه دلیل تحریم آن قطعی بوده و شبهه ای در آن وجود نداشته باشد، مانند حرمت زنا و خواه این که دلیل آن ظنی باشد مانند اموری که با سنت آحاد تحریم شده است.

تعریف مکروه

مکروه آن است که ترکش اولی و بهتر از انجام دادن آن است، یا آنچه که شارع ترک آن را به صورت غیر حتمی و غیر الزامی از مکلف طلب کرده است.

حکم مکروه آن است که فاعل آن گنا هکار نمی‌شود، اما مورد ملامت قرار می‌گیرد و تارک آن اگر آن را به هدف رضای خدا ترک کرده باشد، مورد مدح قرار گرفته، ثواب می‌برد.

انواع مکروه از دید احناف

احناف مکروه را دو نوع می‌دانند:

۱ - مکروه تحریمی: آن است که، بر اساس یک دلیل ظنی و نه قطعی، شارع به صورت حتمی خودداری از آن را از مکلف طلب کرده است مانند: خواستگاری برخواستگاری شخص دیگر و بیع بر بیع دیگری، زیرا نهی از این دو مورد با خبرآحاد ثابت شده که دلیل ظنی است. و در نزد احناف این نوع از مکروه در مقابل واجب قرار دارد و حکم آن همان حکم حرام در نزد جمهور است، یعنی فاعل آن مستحق عقاب و مجازات است، گرچه به خاطر ظنی بودن دلیل آن، منکرش کافر نمی‌شود.

۲ - مکروه تنزیهی: آن است که شارع به صورت غیر الزامی ترک آن را از مکلف طلب کرده است، مانند خوردن گوشت اسب بخاطر نیاز به آن در جنگ. و وضو گرفتن از مابقی آبی که پرندگان شکاری نوشیده‌اند. حکم این نوع مکروه، آن است که فاعلش مورد ذم و عقاب قرار نمی‌گیرد، گرچه انجام آن خلاف اولی است.

مباح: آن است که شارع، مکلف را بین انجام یا تر آن معیر کرده است و برای انجام دادن یا ترک کردن آن مدح و ذمی وجود ندارد و به آن حلال گفته می‌شود.

درس دوازدهم و سیزدهم: فرضها و موجبات غسل

صفحه: ۲۳ - ۲۵

وقت: ۴۵ دقیقه (یک ساعت درسی).

اهداف درس: شاگردان باید:

- تعریف و اقسام غسل را بفهمند.
- فرایض و سنت های غسل را بدانند.
- مواردیکه غسل بر شخص فرض می گردد آن را بیان کرده بتوانند.
- هفت مورد را که انجام دادن غسل در آن مستحب است ذکر نمایند.
- به فرضیت غسل عقیده کنند.

دانش لازمی:

تعریف غسل: غسل (به فتح غین) در لغت به معنی مطلق شستن است. و به کسر (غین) به معنی چیزیکه توسط آن شسته می شود مانند صابون، سرکه و غیره...
غسل (به ضم غین) عبارت است از شستن تمام بدن و مالیدن آن با استفاده از آب پاک کننده به طریق مخصوص.

مشروعیت غسل:

مشروعیت غسل از چندین آیات قرآن ثابت است طوریکه خداوند ج می فرماید: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا﴾. المائده آیت ۶.

ترجمه: و اگر جنب باشید، خود را پاکیزه یعنی غسل کنید.

و نیز می فرماید: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعْتَزِلُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾. بقره آیت (۲۲۲)

ترجمه: و سوال می کنند ترا از حیض، بگو که وی نجاست است، پس یکسو شوید از زنان در حال حیض، و نزدیکی مکنید با آنان تا آن که پاک شوند، چون خوب پاک شدند، پس نزدیکی کنید با آنان از راهیکه مباح کرده است خداوند ج شما را به آن، هر آینه خداوند ج دوست میدارد توبه کنندگان را و دوست میدارد پاک شوندگان را.

و نیز مشروعیت غسل از حدیث پیامبر ﷺ ثابت است طوری که در حدیثی پیامبر ﷺ می فرماید: عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: (أَنَّ أُمَّ سَلِيمٍ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ، فَهَلْ عَلَى الْمَرْأَةِ غُسْلٌ إِذَا احْتَلَمَتْ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِذَا رَأَتْ الْمَاءَ) رواه الشيخان وغيرهما.

ترجمه: از ام سلمه روایت است که ام سُلیم فرمود: ای رسول خدا، خداوند جلّ از بیان حق حیا بر نمی دارد، آیا در صورت احتلام، غسل بر زن واجب می شود؟ پیامبر ﷺ فرمود: بلی هرگاه آبی را ببیند).

موجبات غسل

در پنج مورد غسل فرض می گردد:

الف - بیرون شدن منی به طور شهوت در حالت خواب و بیداری چه مرد باشد و چه زن و این دیدگاه تمام جمهور فقهاء می باشد. و این مسأله از حدیث قبلی که به روایت ام سلمه بیان شد، ثابت گردیده است.

ب: التقاء ختاین - یعنی: پنهان شدن حشفه در فرج یا دبر بدون اینکه انزال صورت بگیرد.

ج: انقطاع حیض و نفاس: بعد از پاک شدن زن، از عادت ماهیانه یعنی: حیض و نفاس چنانچه خداوند جلّ می فرماید: (وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ).

ترجمه: نزدیکی نکنید با آنان تا اینکه پاک شوند؛ چون خوب پاک شدند پس نزدیکی کنید با آنان از راهیکه مباح کرده است خداوند جلّ شما را به آن.

د: فوت: هرگاه مسلمان وفات نمود واجب است که، غسل داده شود.

ه: کافر هرگاه مسلمان شود غسل داده میشود.

آنچه که، بالای جنب حرام است

۱- نماز - خواندن نماز برای جنب در حالت جنابت حرام است.

۲- طواف کردن.

۳- مس نمودن مصحف و برداشتن آن.

۴- خواندن قرآن کریم.

۵- در ننگ کردن در مسجد.

اسباب جنابت

عوامل جنابت را می توان در دو مورد ذیل بیان نمود:

۲- جماع (آمیزش) و حداقل آن عبارت است از داخل شدن سر عضو تناسلی در فرج زن یا مقعد زن یا مرد.

در پنج مورد غسل نمودن سنت است.

۱- غسل روز جمعه و برای نماز آن روز.

۲- نماز عید فطر.

۳- نماز عید قربان.

۴- هنگام احرام بستن.

۵- برای حاجی در روز عرفه بعد از زوال خورشید.

غسل در موارد زیر مستحب است:

۱- شب نیمه ماه شعبان.

۲- شب قدر.

۳- جهت ادای نماز کسوف (آفتاب گرفتگی)

۴- ہر ای نماز خسوف (ماہ گرفتگی)

۵- برای نماز استسقاء.

۶- به هنگام ترس و وحشت.

۷- بہ ہنگام تاریکی۔

۸. زمان وزش باد شدید و طوفانی.

۹- قبل از پوشیدن لباس جدید.

۱۰- برای توبه از گناهان.

۱۱- بعد از بازگشت به سفر.

۱۲- هنگام ورود به مدینه.

۱۳- زمان ورود به مکه مکه مه.

۱۴- هنگام وقوف در مزدلفه به هنگام صبح گاه روز عید قربان. یوم النحر

۱۵- طواف زیارت.

۱۶- بعد از غسل دادن میت.

۱۷- پس از حجامت.

۱۸- برای کسی که از دیوانگی خویش به هوش آمده باشد.

۱۹- پس از پذیرفتن دین مبین اسلام.

اقسام غسل

غسل بر سه قسم است:

۱- غسل فرض (۲) غسل سنت (۳) غسل مستحب.

فرائض غسل: فرائض غسل سه چیز است:

۱- مضمضه.

۲- استنشاق.

۳- رساندن آب به تمام بدن به نحوی که در بدن هیچ جای خشکی باقی نماند.

سنت های غسل

امور زیر به عنوان سنت های غسل مطرح هستند که شایسته است مراعات گردند تا غسل به کاملترین وجه آن انجام بگیرد:

۱- قبل از شروع (بسم الله الرحمن الرحيم) گفتن.

۲- نیت کردن جهت حاصل نمودن پاکی و طهارت.

۳- شستن دست ها تا بند قبل از پرداختن به بقیه اعضای بدن.

۴- شستن و از بین بردن نجاست و پلیدی از بدن اگر معلوم و ظاهر بود.

۵- وضو گرفتن قبل از غسل، و اگر در مکانی غسل می گرفت که در آن آب جمع می شود، پاها را بعد از غسل بشوید.

۶- سه بار رساندن آب بر تمام بدن.

۷- اول شستن سر و سپس سمت راست و بعد طرف چپ.

۸- مالش دادن بدن.

۹- پیاپی شستن بدن به گونه ای که عضو اول قبل از شستن عضو بعد، خشک نگردد.

درس چهاردهم: روزه

صفحه: ۲۷

وقت: سه ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- تعریف روزه را بدانند.
- بفهمند که روزه یکی از ارکان اساسی اسلام است.
- فوائد و حکمت های روزه را به دیگران توضیح داده بتواند.
- به روزه داشتن علاقه مند شوند.

دانش لازمی

- **تعریف لغوی روزه:** صوم در لغت به معنی خود داری و پرهیز است.
- و در قرآن آمده: ﴿إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنَأْكُلَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا﴾.
- ترجمه:** من برای خداوند جل جلاله روزه ای نذر کرده ام، بنا براین امروز با هیچ انسانی سخن نمی گویم.

- استقبال از ماه مبارک رمضان:

مسلمانان صدر اسلام صحابه کرام و تابعین به ماه رمضان اهتمام ویژه ای قائل بودند، از خداوند جل جلاله می خواستند که آن ها را تا ماه رمضان زنده نگه دارد تا اینکه بتوانند این ماه پر فیض را روزه بگیرند، و با قدوم رمضان خوشحال می شدند، روزهای آن را روزه و شب هایش را با نماز شب و تلاوت قرآن زنده نگه می داشتند، و در این ماه با انجام انواع طاعات نفس خود را تزکیه و پاک می نمودند، قبل از فرا رسیدن ماه مبارک رمضان بی صبرانه در انتظار آن می بودند طوری که در حدیث طویل یکی حضرت سلمان فارسی روایت میکند، حضرت سلمان میگوید: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آخرین روز شعبان برایمان خطبه ارائه فرمودند و در آن ما را به فرا رسیدن ماه رمضان متوجه ساختند، در آن حدیث که در مشکات و دیگر کتب حدیث آمده آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: (قد اظلمکم شهر عظیم...) هر چند علمای جرح و تعدیل ملاحظاتی درباره این حدیث دارند ولی در کل این حدیث در باب فضائل قابل عمل است.

روزه یکی از ارکان اسلام

در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ وارد شده است که میفرمایند: (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ)

ترجمه: دین اسلام بر پنج پایه استوار قرار داده شده، شهادت دادن بر اینکه بجز الله تعالی هیچ کسی لایق عبادت نیست و محمد بنده و رسول وی است، بر پا داشتن نماز، ادا کردن زکات، حج بیت الله و روزه داشتن ماه رمضان است.

فوائد و حکمتهای روزه: شارع حکیم هر عبادتی را که مشروع کرده است و هر آنچه را آفریده است از فائده و منفعت برای انسان خالی نیست، چنانچه میفرماید: (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا)

ترجمه: خداوند ﷻ ذاتی است که برای شما آفریده است هر آنچه در زمین است.

پس هر شخص مسلمان و مکلف علاوه بر اینکه در تعمیل اعمال شرعی و انجام تکالیف اسلامی خود، اطاعت و فرمان برداری خداوند ﷻ را تمثیل میکند، فوائد و منافع زیادی را در قسمت انجام تکالیف شرعی اش نیز بدست می آورد.

روزه هم به عنوان یک عبادت بزرگ فوائد زیادی را در خود گنجانده هست که درین جا به برخی آنها اشاره خواهیم کرد:

۱- روزه مظهر شکر گزاری نعمت های الهی:

بدین گونه که انسام مؤمن وقتی در ماه رمضان از مفطرات سه گانه (خوردن، آشامیدن، همبستری) خود داری میکند از یک طرف قدر نعمت های الهی برایش هویدا میشود و از سوی دیگر معیار سپاس گزاری ازین نعمتها در روح و روان و وجودش افزایش ملموس می یابد و مسلم است که شکر نعمت در افزایش و زیادت نوازشهای الهی تأثیر گزار است چنانکه میگویند: شکر نعمت، نعمت افزون کند * کفر نعمت از کفت بیرون کند، و خداوند ﷻ هم در خلال آیات احکام صوم میفرماید: (وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) یعنی: تا شما سپاس گزاری کنید.

۲- روزه وسیله ای برای افزایش معیار تقوی در انسان:

وقتی در ماه رمضان انسان مسلمان بخاطر جلب رضایت خداوند ﷻ از حلال خود داری میکند، پس در حقیقت این نوع از تمرین است برای اینکه چگونه در اطاعت پروردگارش از حرام

و کارهای خلاف شرع پرهیزد؟ خداوند عَلَّامٌ میفرماید: (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) یعنی: روزه بدارید تا پرهیزگار شوید.

۳- روزه سنگر مهم مقاومت در برابر خواهشات نفسانی

وقتی که روزه دار با گرسنه نگاه کردن خود، جسمش را لاغر میسازد در واقع قوه معنوی و روحانی خود را در مقابل قوه حیوانی و شهوانی خود تقویت میکند و همین که قوه شهوانی تضعیف میشود انواع جرایم بخصوص جرایم جنسی در جامعه بشری کاهش می یابد. پیامبر بزرگوار اسلام صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این خصوص فرمود: (الصَّوْمُ جُنَّةٌ) روزه سپر است.

۴- روزه و بیداری احساس و همدردی به فقراء

وقتی انسان روزه دار خود اش گرسنگی را احساس میکند و به شدت و فشار طاقت فرسای آن مواجه میشود، دیگر نمی تواند در برابر افراد مستضعف و بینوا بی تفاوت باشد بلکه قوه عاطفه اش به جوش می آید و به کمک آنها اقدام میکند. (وَهُوَ شَهْرُ الْمَوَاسَاةِ) یعنی ماه مبارک رمضان، ماه همدردی و اشکشوی است.

۵- روزه مظهر وحدت اسلامی

وقتی ماه مبارک رمضان فرا می رسد در حقیقت تمام امت اسلامی برابر است که در شرق دنیا باشد و یا در غرب و جنوب و شمال جهان، با تفاوت بسیار اندک که آن هم هزاران حکمت را در خود گنجانده است مانند: دراز و کوتاه بودن روزها، پس و پیش شدن یک روز و غیره، روزه میگیرند و همچنان عید میکنند.

۶- روزه دستگاه هاضمه را بهبود می بخشد

از اینکه در ماه مبارک رمضان شخص روز دار در تناول غذا تفاوت زمانی را به وجود می آورد، دستگاه هاضمه به خوبی این فرصت را پیدا میکند که نفس راحت بگیرد و راحت شود و تقویت یابد.

۷- روزه و تدای امراض

و هم چنان روزه در علاج و نجات از بسیاری از امراض مانند: جلو گیری از اختلالات مزمن، چاقی، فشار خون، شکر، امراض قلبی و ... نهایت مؤثر میباشد و این چیزیکه حتی محققین غیر اسلامی نیز به آن اذعان داشتند حقا که پیامبر بزرگوار اسلام صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این مورد راست فرمود که: (وَصُومُوا تَصِحُّوا) روزه بگیرید تا صحت مند بمانید.

کار خانگی طبق کتاب درسی تعیین گردد.

درس پانزدهم: فرضیت روزه

صفحه: ۲۹

وقت: دو ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

— حکم شرعی روزه را بدانند.

— بفهمند که ماه مبارک رمضان دارای فضیلت بزرگ است.

— راجع به جایگاه این ماه به دیگران معلومات داده بتوانند.

— درعمل روزه اخلاص پیداکنند.

دانش لازمی

— ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

ترجمه: ماه رمضان است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است تا مردم را راهنمایی کند و نشانه ها و آیات روشنی از ارشاد باشد و جدائی افکند، پس هر که از شما این ماه را دریابد، باید که آن را روزه بدارد، و اگر کسی بیمار یا مسافر باشد، چندی از روزهای دیگر را، خداوند عَلَيْهِ السَّلَام آسایش شما را می خواهد و خواهان زحمت شما نیست، و تاملت را کامل گردانید و خدا را بر این که شما را هدایت کرده است، بزرگ دارید و تا این که سپاسگزاری کنید.

— حکم شرعی روزه ماه مبارک رمضان

علمای اسلامی اجماع دارند بر اینکه روزه ماه مبارک رمضان بر هر مسلمان عاقل و بالغ فرض بوده تارک آن مرتکب گناه کبیره و منکر آن کافر می باشد. و بر فرضیت روزه ماه رمضان دلایلی هم در قرآن کریم وهم در احادیث نبوی وجود دار که مشت نمونه خروار مانند (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ) یعنی: ای مؤمنان! روزه بر شما فرض قرار داده شده است، در آیت مبارکه لفظ (كُتِبَ، بمعنی (فَرِضَ) یعنی فرض کرده شده است، وهمچنان در حدیثی وارد شده است که پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (بَنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ ... وَصَوْمِ رَمَضَانَ) یعنی اسلام بر پنج پایه اساس گذاری شده است که از جمله یکی آن روزه ماه مبارک رمضان است. و نیز دانشمندان امت اسلامی بر فرضیت آن اجماع دارند و احدی در این قضیه اختلاف نظر نداشته است.

-تاریخ فرضیت

هر چند روزه به عنوان یک عبادت بدنی مهم از قدیم الایام در میان افراد بشریت با تفاوت‌های قابل ملاحظه ای باروزه امروزی مسلمانان وجود داشته است، چون برخی آن روزه ها یک روزه، یک هفته ای، و یا روزی که از خوردن برخی غذاها مانند گوشت خودداری میشد، وهم چنان مظاهر آن روزه ها را امروز در جهان نزد برخی رومیان و غیره میتوان دید، ولی روزه که امروزه مسلمانان داشتن آن مامور هستند در سال دوم، هجری بتاریخ دوم شعبان با نزول این آیه مبارکه (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ مِنْ أَمْرِ رَبِّكَ) فرض گردید. و آن حضرت ﷺ قبل از فرضیت روزه ماه رمضان، روز عاشورا (دهم محرم الحرم) را روزه می گرفتند.

در این عصر روزه این گونه ثابت میشود

امروزه روزه ماه مبارک رمضان با دیدن هلال (ماه) رمضان فرض میگردد. پس بر مسلمانان ضروری است که برای دیدن هلال رمضان نهایت کوشا و مراقب باشند که خدا نا خواسته در روزه شان خللی واقع نشود و رؤیت ماه رمضان توسط دو شخص عادل مرد باشند یا زن باید تصدیق شود، در صورت که تعداد زیادی از مسلمانان هلال را دیده باشند، باز عدالت شرط نیست، در صورت که آسمان ابری باشد با تکمیل شدن سی (۳۰) روز شعبان، روزه رمضان فرض میگردد چون در حدیثی آمده (صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤْيَيْهِ فَإِنْ غُمِّيَ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ) یعنی با دیدن ماه روزه گیرید وبا دیدن آن افطار نمایید پس اگر ماه بر شما پوشیده ماند، سی روز ماه شعبان را تکمیل نمایید.

- فضایل رمضان

ماه رمضان در واقع سرور و سردار تمام ماه های سال است، ماهی که در آن قرآن نازل شده، ماه قربت الهی، نیکی، احسان، مغفرت، رحمت، و رضوان است، ماهی که در آن شب قدر است که از عبادت هزار ماه بهتر است ماه قبولیت دعا ها و...

در احادیث فضائل زیادی برای این ماه عظیم وارد شده است مانند:

۱- (سَيِّدُ الشُّهُورِ رَمَضَانُ، وَسَيِّدُ الْأَيَّامِ يَوْمُ الْجُمُعَةِ) یعنی رمضان سردار ماهها و روز جمعه سردار روزها است.

۲- (لَوْ يَعْلَمُ الْعِبَادُ مَا فِي رَمَضَانَ، لَتَمَنَّتْ أُمَّتِي أَنْ يَكُونَ رَمَضَانَ السَّنَةَ كُلَّهَا)

ترجمه: اگر مردم بدانند آنچه در ماه رمضان نهفته است، اتم آرزو خواهند کرد که تمام سال رمضان باشد.

۳- (أَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُبَارَكٌ...) ترجمه: ماه رمضان بر شما فرا رسیده و او ماه مبارک است.

۴- (إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ فَتُحَتُّ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَفِي رَوَايَةٍ: إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَتُحَتُّ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلْسِلَتِ الشَّيَاطِينُ).

وقتی ماه رمضان فرا می رسد، درهای بهشت گشوده می شوند، و در روایت دیگری، رسول اکرم فرمود: وقتی ماه رمضان می رسد، درهای آسمان، گشوده می شوند و درهای دوزخ، بسته می گردد و شیاطین به زنجیر کشیده می شوند.

حوادث که در ماه رمضان به وقوع پیوست

۱- نزول قرآن کریم.

۲- غزوه بدر کبری:

آن همان غزوه بود که خداوند ﷻ آن را (یوم الفرقان) خوانده است، این واقعه به روز جمعه هفدهم رمضان سال سوم هجری رخداد.

۳- فتح مکه:

این واقعه به روز جمعه بیست و یکم رمضان سال ۸ هجری رخداد.

۴- بعضی حوادث غزوه تبوک در رمضان نهم هجری رخداد.

۵- نشر اسلام در کشورهای اسلامی در سال دهم هجری در همین ماه واقع شد.

۶- در بیست و پنجم همین ماه سال ۸ هجری ساختمانی که در آن بت (عُزَا) پرستش می شد منهدم شد.

درس شانزدهم: اقسام روزه

صفحه: ۳۱

وقت: دو ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- اقسام احکام روزه را بدانند.

- مرتبت و جایگاه هر حکم شرعی را بفهمند.

- برای عدم جواز روزه های روز عید و دلیل ذکر کرده بتوانند.

دانش لازمی

اقسام روزه

روزه بر هشت قسم تقسیم شده است که در ذیل چنین نگاشته میشود:

۱- روزه فرض معین: مانند روزه ماه مبارک رمضان.

۲- روزه فرض غیر معین: مانند روزه های قضای ماه مبارک رمضان.

۳- روزه واجب معین: مانند روزه نذری یعنی روزه که به هفته، ماه، سال و غیره مقید شده باشد،

مانند اینکه بگوید: من نذر میگردانم که روز پنجشنبه را روزه گیرم.

۴- روزه واجب غیر معین: مانند روزه نذریکه بطور مطلق بوده و به روز، یا هفته و وقتی مقید نباشد.

۵- روزه مسنون: روزه های مسنون مانند:

الف: روزه روز عرفه یعنی نهم ذی الحجه.

ب: روزه نهم و دهم ماه محرم الحرم.

ج: روزه ایام بیض یعنی روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه اسلامی.

۶- روزه مستحب: بعد از روزه های فرض، واجب و سنت دیگر تمام روزه ها مستحب است و نیز

تمام روزه های نفلی شامل مستحبات میشود. مانند: روزه های، دوشنبه، پنجشنبه، روزه روز جمعه.

۷- روزه مکروه تحریمی: روزه گرفتن روز اول عید الفطر، روزه اول عید الاضحی و ایام تشریق

یعنی (۱۱، ۱۲، ۱۳) ذی الحجه، نزد فقهای حنفی مکروه تحریمی است و مکروه تحریمی به حرام

نزدیک است، و هم چنان تنها روزه گرفتن روز شنبه بخاطر مشابهت با یهود و تنها روزه گرفتن

روز یک شنبه بدلیل شباهت به نصارا و روزه روز مهر جان و نوروز بخاطر مشابهت به مجوس مکروه تحریمی میباشد.

۸- روزه مکروه تنزیهی: مانند: صرف روزه گرفتن روز دهم محرم الحرم.

-وقت روزه

روزه از طلوع صبح صادق آغاز میگردد و تا غروب آفتاب ادامه میآید، صبح صادق عبارت از روشنی هست که در کناره آسمان در افق مشرقی از طرف شمال به طرف جنوب پدیدار میگردد و تسریعاً در افق گسترش میآید و بعد از آن دیگر تاریکی نمیباشد. واما صبح کاذب را که عبارت است از سفیدی که بصورت عمومی از زمین بطرف آسمان قبل از صبح صادق به وجود میآید و بعداً به سرعت غایب میشود و بعد از آن تاریکی پدیدار میگردد.

درس هفدهم: مفسدات روزه

صفحه: ۳۳

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

- بدانند که شکننده های روزه چیست؟.

- بفهمند که چه وقت قضا، و چه وقت کفاره و یا هر دو لازم میگردد؟.

- راجع به شکننده های روزه معلومات ارائه کرده بتوانند.

-مفسدات روزه

آنچه که روزه را فاسد نمی کند بر دو قسم است:

الف: چیز های که انجام دادن آن برای روزه دار مکروه باشد و آن چیز های است ، در صورتی که روزه دار آن را انجام دهد خطر این وجود دارد که روزه دار را بطرف فساد روزه بکشاند چون قوه جاذبه حیوانی انسان در چنین مواردی بسیار قوی عمل میکند و باعث فساد روزه میگردد.

ب: آن چیز های است که انجام دادن آن برای روزه دار مکروه نیست چون خطر کشاندن روزه دار بطرف فساد روزه وجود ندارد.

توضیح آنچه گفته شد

چیز های که برای روزه دار مکروه هست و یا مکروه نیست مانند:

۱- برای مرد ها در حالت روزه سر مه کردن مکروه نیست، بشرطی که بخاطر زینت نباشد و اگر به منظور زینت باشد، مکروه، است و این برای زنها هر چند به هدف زینت هم باشد مکروه نیست و قول را جح آنست که سر مه مکروه نیست هر چند ذائقه آن در حلقش احساس گردد.

۲- روغن کردن بروت و ریش برای روزه دار در حالت روزه مکروه نیست، و در این خصوص روغن مخصوصی نزد فقهاء نیز مطرح نیست.

۳- روزه دار بر علاوه از وضو اگر دهنش را بشوید، در بینی اش آب بیاندازد، و بخاطر سرد کردن بدنش غسل نماید یا در سرش آب یخ بریزد، در تمام صورتهای فوق مکروه نیست.

۴- در حالت روزه مسواک کردن مکروه نیست، برابر است که روزه فرضی باشد، یا نفلی و یا واجب و مسواک تر باشد یا خشک.

۵- برای روزه دار بوسیدن عطریات مکروه نیست.

آنچه در حال روزه برای روزه دار مکروه است

- چیزی را در دهن گذاشته و بجزد بشرطیکه به داخل فرو نرود.
- چشیدن چیزی، البته در صورت که خانمها شوهر بد اخلاق داشته باشند و از عدم توازن نمک غذا جنجال بر پا شود، میوانند آن را بچشند مشروط براینکه به حلق شان داخل نشود.
- جمع نمودن آب دهان را در داخل دهن، چون خطر فرو رفتن آن به معده وجود دارد.
- غیبت، ناسزاگویی، جنگ و دروغ نیز مکروه است.
- غره غره کردن و کش کردن آب در بینی.
- به تعویق انداختن غسل جنابت تا بعد از صبح صادق.
- استفاده از کرم دندان، کشیدن خون، کار شاقه در صورت که اندیشه ضعف وجود داشته باشد.

آنچه روزه را فاسد میکند

آن چه که روزه را فاسد میکند در حقیقت دو قسم است:

الف: قسم اول آنست که با ارتکاب آن هم قضا لازم میگردد و هم کفاره مانند اینکه:

- ۱- در حالت روزه رمضان چیزی را که معمولاً غذا محسوب میشود بخورد.
- ۲- در ماه مبارک رمضان شخص روزه دار با خانم خود همبستر شود.
- ۳- بعد از حجامت به گمان اینکه روزه اش فاسد شده است، بخورد و بنوشد.

ب: آنچه روزه را فاسد میکند و صرف قضا لازم میگردد، قرار ذیل است:

- شخص روزه دار به خوردن چیزی اجبار واکره شود.
- روزه دار به یاد روزه اش بوده ولی هنگام مضمضه ناگهان آب به حلق اش پائین شود.
- استفراغ کرده آن را دوباره بخورد.
- به قدری استفراغ کند که دهن اش پر شده باشد.
- سنگ و کلوخ و یا اشیای دیگری را بخورد.
- غذایی که میان دندانها باقی مانده، آن را با زبان بیرون بکشد و به قدر یک نخود و یا کلان تر آن را بخورد.
- آن باشد، آن را بخورد.
- نسوار یا تمباکو استفاده کند.
- خون که از دندانها خارج شود آن را بخورد.

— به گمان اینکه آفتاب غروب کرده است، افطار کند.

قضا و كفاره روزه:

قضا آنست که در بدل یک روزه افطار شده یک روز روزه گیرد و کفاره آنست که در بدل روزه افطار شده اولاً اگر قدرت داشته باشد و غلام پیدا شود یک غلام آزاد کند، اگر قدرت آن را نداشت ۶۰ روز پی در پی روزه گیرد که در میان انقطاع نباشد و اگر انقطاع واقع شود دوباره از سر روزه گیرد و اگر توان آن را نیز نداشت پس درین صورت ۶۰ مسکین را دو وقت غذا میدهد و غذا به گونه متوسط میباشد نه بسیار تشریفاتی و نه خیلی نا چیز.

درس هجدهم: نماز تراویح

صفحه: ۳۵

وقت: دو ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم تراویح و سابقه تاریخی آن را بدانند.
- اهمیت نماز تراویح را بفهمند.
- برای دیگران در مورد نماز تراویح دلایل ذکر کرده بتوانند.

دانش لازمی

-مفهوم تراویح

تراویح جمع ترویحه به معنی راحت، آسایش، و رفع خستگی بکار می‌رود، و نشستی که بعد از چهار رکعت نماز تراویح در شبهای ماه مبارک رمضان صورت می‌گیرد آن را تراویح و ترویحه گویند، ولی اکنون این اصطلاح بر هر چهار رکعت نماز که در شبهای ماه رمضان ادا میگردد، بطور مجاز اطلاق میشود، چون سلف امت اسلامی بعد از هر چهار رکعت نماز می‌نشستند و مقداری راحت می‌گرفتند.

حکم نماز تراویح

فقههای جهان اسلام به سنت بودن نماز تراویح اتفاق نظر دارند ولی نزد فقههای حنفی، حنبلی و برخی مالکیها تراویح سنت مؤکد است هم برای زنان و هم برای مردان (الاختیار ۶۸) ورد المحتار ۴۷۲) نماز تراویح در میان نمازهای سنت و نوافل از اهمیت و جایگاهی بزرگی برخوردار است طوریکه برخی فقهاء قاعده دارند که هر سنت و نوافل که شرعاً با جماعت خوانده شود نسبت به نوافل و سنن دیگر برتری دارد که نماز تراویح از آن جمله نمازها است.

تاریخ مشروعیت نماز تراویح

حضرت عایشه صدیقه درین باره روایت دارد که پیامبر اسلام ﷺ (خرج من جوف الليل ليالي رمضان وصلي في المسجد و صلى الناس بصلاته و تكاثروا فلم يخرج في الرابعة، وقال لهم: خشيت أن تفرض عليكم فتعجزوا عنها) (بخاری، مسلم).

ترجمه: آن حضرت ﷺ شبی از شبهای ماه رمضان از خانه بیرون رفت و در مسجد نماز خواند و مردم به وی اقتدا کردند و زیاد شدند، آن حضرت ﷺ دیگر برای شب چهارم به مسجد نرفت و برایشان فرمود: میترسم که این نماز بر شما فرض نشود که آن وقت از آن عاجز بمانید. علماء میفرمایند: این حدیث نشان میدهد که نماز تراویح در اواخر عمر آن حضرت ﷺ مشروع شده است چون با دوام خواندن آنجناب ثابت نیست.

بعد از آن حضرت عمر بن الخطاب در سال چهاردهم هجری مردم را به امام واحد جمع کرد و بدین ترتیب تا امروز این سنت مبارک ادامه دارد.

حضور خود پیامبر اکرم ﷺ در این نماز بر سنت بودن آن نماز کفایت میکند ولی عملکرد حضرت عمر، آن را بیشتر تقویت بخشیده است چون بر اساس حدیث پیامبر اسلام ﷺ که فرمودند: بر شما سنت من و سنت خلفای راشدین لازمی است).

تعداد رکعات نماز تراویح

جمهور فقهای اسلامی مانند حنفی ها، شافعی ها، حنابله، و برخی مالکی ها بدین نظر اند که نماز تراویح بیست رکعت است و مستدل این حضرات حدیثی است که حضرت امام مالک روایت میکند، و آن اینکه: سائب ابن یزید میگوید که (کان قیام الناس فی زمان عمر بعشرین رکعة و جمع عمر الناس علی هذا العدد).

ترجمه: در عصر عمر ابن الخطاب مسلمانان نماز تراویح را بیست رکعت میخواندند و حضرت عمر مردم را به همین تعداد رکعات جمع نمود.

امام کاسانی میگوید: حضرت عمر به امامت حضرت ابی بن کعب مردم را جمع کرد، و آن برایشان بیست رکعت خواند و هیچ یکی از صحابه اعتراض نکرد و بدین ترتیب اجماع صحابه بر آن منعقد شد.

امام دسوقی میگوید: عمل صحابه و تابعین همین بود. ابن عابدین میگوید: این عمل مردم در مشرق و مغرب دنیا بوده است، امام علی السهنوری میگوید: بیست رکعت تراویح عمل مسلمانان صدر اسلام بوده و تا اکنون ادامه دارد.

ختم قرآن کریم در تراویح

یکبار در تراویح ختم قرآن کریم سنت بوده و امام مسجد بخاطر کسالت مردم آن را نباید ترک کند، اگر قاری در هر رکعت نماز ۱۰ ده آیات قرآن کریم را تلاوت نماید در طول ماه مبارک یک

ختم قرآن تمام می‌گردد چون تعداد رکعات تراویح در رمضان ۶۰۰ یا ۵۸۰ می‌باشد و تعداد آیات قرآن کریم هم حدود ۶۰۰۰ و بیشتر از آن است، و برخی ها بدین نظر اند که در هر رکعت نماز تراویح به مقدار قرائت نماز مغرب خوانده شود، چون نماز هایکه علاوه از فرض هست در آنها تخفیف مطلوب است و حضرت عمر دستور داده بود که در هر رکعت سی آیت خوانده شود و در طول ماه مبارک رمضان سه ختم صورت گیرد، چون هر دهه و عشره فضائل و درجه خاص خود را دارد، برخی ها می‌گویند: قول حضرت عمر در مورد ختم که از یک مرتبه بیشتر ختم شود محمول بر افضلیت می‌باشد و اکنون حالت مردم را دیده امام مسجد تصمیم بگیرد چون در این وقت مردم تنبل اند و در صورت که بیشتر خوانده شود نماز جماعت تقلیل پیدا میکند و تکثیر جماعت از تطویل قرائت افضل است و در شب ۲۷ رمضان ختم کردن نزد فقهای مستحب است (فتح القدیر) بهر حال به عجله خواندن قرآن کریم در تراویح درست نیست و خود داری از آن ضرور است.

قضای نماز تراویح

در صورتیکه نماز تراویح قضا شود و وقت نماز فجر داخل شود نظر راجح در نزد فقها و این است که دیگر نماز تراویح قضاء آورده نمی‌شود و اگر کسی بخواند برایش نفل حساب میشود مانند سنتهای رواتب دیگر، ولی در هر صورت تلاش شود که از فوت شدن نماز تراویح جلوگیری شود و درین باره مسلمانان بسیار محتاط باشند چون قیام شب های رمضان اجر و ثواب زیاد دارد و اگر فوت شود آن را به نیت نفل بخواند. (درالمختار).

درس نوزدهم: اعتکاف

صفحه: ۳۷

وقت: سه ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید.

- معنی و مفهوم اعتکاف را بدانند.

- فضیلت اعتکاف را بفهمند.

- احکام و مسائل اعتکاف را توضیح داده بتوانند.

- عقیده کنند که خداوند عَلَّاهُ بر اعتکاف اجر و پاداش زیاد میدهد.

دانش لازمی

حکمت اعتکاف

۱- دریافت شب قدر.

۲- انسان به تقاضای فطری خود گاهی اوقات میخواهد که از مردم کنار گیری نموده و در گوشه به مناجات پروردگارش و عبادت و پرستش او تعالی پردازد ولی از طرف دیگر در شریعت محمدی گوشه نشینی مطلق و کناره گیری از مردم ممنوع قرار داده شده است پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: رهبانیت امت من جهاد در راه خداوند عَلَّاهُ است ولی اعتکاف در اسلام یگانه عمل مشروعی است که میتواند این تقاضای درونی انسان را برآورده سازد و غریزه گوشه نشینی او را اشباع کند.

۳- اعتکاف برای تزکیه نفس و اصلاح نفس انسانی بهترین وسیله در اسلام شناخته شده است مشروط بر اینکه مسلمانان همان شرائط لازم و ضروری آن را در نظر بگیرند.

۴- معتکف میتواند درین وقت فرصتهای مانند: قبولیت دعاء کثرت خواندن نوافل، تلاوت قرآن و توبه استفاده اعظمی نماید.

مشروعیت اعتکاف

عمل اعتکاف همان طوری که گفتیم یک عمل مشروع و ثابت با دلایل شرعی است مثلاً آیه مبارکه سوره بقره که الله تعالی میفرماید: (وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ).

ترجمه: وقتی که در مساجد به اعتکاف مشغول باشید، با آنان (همسران) همخوابی نکنید.

و در حدیثی از عائشه صدیقه چنین روایت شده است: (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّخِرَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِهِ).

ترجمه: یعنی پیامبر اسلام ﷺ تا اینکه از دنیا رحلت فرمودند، دهه آخر ماه مبارک رمضان را اعتکاف می‌نشستند، و بعد از آن ازواج مطهرات اش اعتکاف کردند.
و نیز امت اسلامی تا کنون بر مشروعیت آن اتفاق نظر دارند.
و عقلاً هم همان گونه که گفتم برای انسان ضروری است که مدتی را ولو اندک برای عبادت و مناجات با پروردگارش انتخاب نماید، این یک امر فطری است.

– فضیلت اعتکاف

فضائل زیادی در احادیث و هم از فقها و علمای جهان اسلام راجع به اعتکاف منقول است حضرت امام حسین روایت میکند که آن حضرت ﷺ فرمود: کسیکه عشره آخر ماه رمضان را اعتکاف نماید، الله تعالی برای او ثواب دوحج و دو عمره را نصیب میگرداند (الترغیب)
حضرت ابن عباس روایت میکند که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: معتکف از تمام گناهان محفوظ مانده و او را این قدر ثواب داده میشود که گویا او در حالت اعتکاف عملاً نیکیه‌ها را که (قبل از اعتکاف انجام میداد) انجام میدهد. مشکوة

اقسام اعتکاف

فقهای حنفی بدین نظر اند که اعتکاف بر سه قسم است

۱- اعتکاف واجب.

۲- مسنون.

۳- مستحب.

توضیح

– اعتکاف واجب عبارت از اعتکافی هست که انسان نذر کرده باشد که اگر فلان مشکل من حل شود و غیره در مسجد این قدر روز اعتکاف خواهم کرد، چون ایفای نذر ضروری و لازمی است پس بر وی نیز لازمی است که نذر خود را تکمیل کند.

– اعتکاف سنت، و آن عبارت است از اعتکاف در عشره آخر ماه رمضان این اعتکاف همان طوری که گفته شد سنت است و صاحب مراقی الفلاح نام مکمل او (سنت مؤکد علی الکفایه مذکور است).

– اعتکاف مستحب، و آن اینکه برای آن وقت شرعاً معین نیست و برای چند دقیقه هم اگر باشد انسان میتواند اعتکاف نماید، به همین خاطر فقها میگویند: هر وقتی که برای نمازی وارد مسجد

میشود تا وقتی که از مسجد خارج میشود نیت اعتکاف نماید، الله تعالی به او ثواب اعتکاف را میدهد.

طریقه اعتکاف مسنون

در ماه رمضان تاریخ بیست بعد از نماز عصر پیش از غروب آفتاب بخاطر خوشنودی الله تعالی به نیت اعتکاف عشره آخر ماه رمضان وارد مسجد شود و تا اینکه هلال عید بطور رسمی و یقینی ثابت میشود در آن جا بماند و اعتکاف با دیدن هلال ماه بعد از غروب آفتاب تمام میشود. (شامی)

بهترین جا برای اعتکاف کجا است؟

برای اعتکاف افضل ترین جا بیت الله الحرام هست، بعداً مسجد نبوی، بعداً مسجد اقصی (بیت المقدس) سپس مسجد جامع، بعداً مسجد قریه که نماز خوان زیاد داشته باشد. (بدائع).

آداب و مسائل اعتکاف

- ۱- بدون عذر از مسجد خارج نشود.
- ۲- قبل از غروب آفتاب روز بیستم رمضان وارد مسجد شود.
- ۳- بعد از دیدن هلال عید از مسجد رخصت شود.
- ۴- در حالت اعتکاف از همبستری و اسباب آن خود داری صورت گیرد.
- ۵- به ذکر دعا و نوافل مشغول باشد.
- ۶- در حالت اعتکاف صحبت های نیک نماید و از سخنان نا شایسته خود دار نماید.
- ۷- اذکار مسنون را بخواند.
- ۸- درود شریف را بکثرت ورد نماید.
- ۹- نماز تسبیح را بخواند.
- ۱۰- نماز اشراق را بخواند.
- ۱۱- حداقل بعد از نماز فجر تا اشراق و بعد از نماز عصر تا مغرب مصروف ذکر و اذکار شود.
- ۱۲- در شبهای قدر نهایت سعی و تلاش کند.

برخی مفسدات اعتکاف

برخی اعمال طور نیست که با انجام دادن آن اعتکاف فاسد میشود مانند:

- ۱- معتکف بدون ضرورت شرعی و طبیعی از مسجد خارج شود.

- ۲- اگر معتکف این قدر مریض شود که در مسجد ماندن اش مشکل باشد. میتواند به خانه برود ولی اعتکاف اش فاسد شده و خودش گنه کار نمی شود.
- ۳- اگر معتکف فراموشاً از مسجد خارج شود، اعتکاف اش فاسد ولی خودش گنه کار نمی شود. (قاضی خان).
- ۴- اگر روزه معتکف فاسد شود، اعتکاف اش نیز فاسد می شود. (بحر)

درس بیستم: صدقه فطر

صفحه: ۳۹

وقت: سه ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم صدقه فطر را بدانند.
- احکام و مسائل صدقه فطر را بفهمند.
- شرایط صدقه فطر را بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی

مفهوم صدقه فطر

صدقه فطر را زکات الفطرو فطره هم میگویند در اصل فطر از همان افطار مشتق شده است و افطار ماه مبارک رمضان سبب وجوب فطره میشود بدین خاطر آن را فطر میگویند، و در اصطلاح عبارت از مقدار مالی است که در آخر ماه رمضان بگونه تلافی نواقصات روزه رمضان به فقرا و مساکین پرداخته میشود.

-تاریخ و دلایل مشروعیت صدقه فطر:

صدقه در ماه شعبان سال دوم هجری سالیکه روزه رمضان فرض شد مشروع گردید و دلایل زیادی به مشروعیت و وجوب آن است که از جمله:

۱- حدیث پیامبر اسلام ﷺ است که: (فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَكَاةَ الْفِطْرِ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ عَلَى الْعَبْدِ وَالْحُرِّ وَالذَّكَرِ وَالْأُنْثَى وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَأَمَرَ بِهَا أَنْ تُؤَدَّى قَبْلَ خُرُوجِ النَّاسِ إِلَى الصَّلَاةِ) یعنی رسول الله ﷺ صدقه فطر را بر مردم مشروع ساخت که یک صاع از خرما، یا یک صاع از جو میباشد و بر آزاد، غلام، مذکر، مؤنث، خورد سال و بزرگ سال از مسلمانان لازمی است و دستور داده که قبل از رفتن به نماز عید پرداخته شود.

۲- از ابو سعید خدری روایت است که میفرماید: (كُنَّا نُخْرِجُ زَكَاةَ الْفِطْرِ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِينَا عَنْ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ حُرٍّ وَمَمْلُوكٍ مِنْ ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ صَاعًا مِنْ أَقِطٍ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ ...) (...)

ترجمه: ماوقتی پیامبر اسلام ﷺ در میان مان حضور داشت، صدقه فطر را که یک پیمانه از خرما، یا یک پیمانه از پنیر، یا یک پیمانه از جومیشد، می پرداختم.

حکمت مشروعیت صدقه فطر: چند امر میتواند باشد

- ۱- جبران نواقص و کوتاهی که در روزه فرضی صورت گرفته است.
- ۲- جلوگیری از فقر و بیچارگی در جامعه اسلامی.
- ۳- تا همه مسلمانان چه فقیر و چه غنی درین روزه هم برای خوردن چیزی داشته باشند و هم برای پوشیدن.
- ۴- تمام مسلمانان را در سرور و خوشیهای روز عید شریک ساختن.

حکم صدقه فطر

جمهور فقهاء بدین عقیده اند که صدقه فطر بر هر مسلمان واجب است.

برخی مسائل و احکام صدقه فطر

- ۱- صدقه فطر به وقت طلوع فجر صادق واجب میگردد، پس کسیکه بعد از طلوع فجر صادق بدنیا آید و یا کسی قبل از طلوع فجر صادق از دنیا برود، صدقه فطر بروی واجب نمی گردد.
- ۲- صدقه فطر باید قبل از نماز عید داده شود ولی اگر بعد از نماز عید و یا در خلال ماه مبارک رمضان داده شود درست است.
- ۳- اشخاصیکه مستحق زکات باشند، مستحق صدقه فطر نیز میباشند و افرادی که زکات به آنها درست نیست، صدقه فطر هم درست نیست.
- ۴- در صدقه فطر هم مانند زکات باید تملیک صورت گیرد.
- ۵- آنچه در صدقه فطر داده میشود چهار چیز است، گندم، جو، خرما، کشمش، البته از گندم نیم صاع و از جو و کشمش یک صاع میباشد.



درس بیست و یکم: زکات

صفحه: ۴۱

وقت: سه ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم و معنی زکات را بدانند.
- احکام و مسائل زکات را بفهمند.
- فلسفه زکات را توضیح داده بتوانند.
- به زکات به عنوان یک فریضه الهی معتقد شوند.

دانش لازمی

تعریف زکات

زکات در لغت عربی به معانی مختلف اطلاق میشود که از آن جمله: نُمو، رشد، پاکی و طهارت میباشد چنانچه در قرآن کریم میخوانیم (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...) واضح است که با ادای زکات بقیه مال افزایش پیدا میکند حالا این افزونی گاهی بگونه ظاهری در مال دیده میشود و گاهی بگونه معنوی یعنی برکت مال زیاد میشود و با مال اندک کارهای بزرگ را انجام میدهد، و نیز از شر سارقین و مصائب دیگر حفاظت میشود و هم چنان از لحاظ معنوی ذخیره آخرت میشود، و خود انسان نیز با دادن زکات از نگاه روانی و معنوی پاک شده و محبت مادیات و ماده پرستی از وجودش بیرون میشود.

و در اصطلاح زکات عبارت است از تمیلک مال برای فقیر مسلمان که هاشمی نباشد بخاطر رضای الله تعالی میپردازد مشروط بر اینکه دیگر از مال مذکور منفعت نگیرد. (بحر الرائق)

نظام زکات در اسلام

زکات یک فریضه مالی و عبادتی است که در شرائع تمام انبیای الهی گذشته وجود داشته و جزء شریعت شان بوده و به صورت یک امر دینی مهم به آن عامل بودند، البته قابل ذکر است که قبل از اسلام نصاب زکات، مقدار زکات، مصارف زکات طوری بوده که با شریعت محمدی تفاوت داشته است.

تفاوت زکات با نظام تکس (مالیات)

در حقیقت زکات بدنبال خود حکمت‌های بزرگی را دارد که برخی آنها در منابع اسلامی تذکر داده شده و این نشان می‌دهد که زکات اسلامی را با تکس و یا همان نظام مالیاتی که در نظام‌های امروزی معمول است اشتباه نگیریم چون زکات دو هدف اساسی دارد یکی تطهیر و یا پاکی زکات دهنده از گناه، از محبت مادیات و هوا پرستی و دومین هدف زکات، کمک و تعاون افرادی است که قدرت و توان مالی ندارند و برای امرار زندگی به مشکل مواجه هستند مانند: یتیمان، بیوه‌ها، معذور ها و معیوب هاو...

و در آیه مبارکه (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...) به هدف اولی و در آیه مبارکه (إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء...) به هدف و فلسفه دومی اشاره گردیده است در حالیکه در نظام مالیات مروج دنیای امروزی چنین اهداف و فلسفه‌ای را سراغ نداریم.

زکات چه وقت فرض میگردد

شرایط فرضیت زکات دو نوع است، برخی شرایط بر زکات دهنده ارتباط دارد و بعض دیگر آن به مال زکاتی مربوط میشود.

شرایط زکات دهنده

- ۱- مسلمان بودن زکات دهنده: پس زکات بر اساس این شرط بر کفار واجب نیست چون زکات عبادت است و کفار به عبادات مکلف نیستند بلکه آنها به ایمان آوردن مکلف اند. و هم چنان زکات بر مرتد لازم نیست هر چند یک سال بر مالش بگذرد و او در حال ارتداد باشد.
- ۲- زکات دهنده بالغ باشد: پس زکات بر صبی و افراد نا بالغ واجب نمی‌باشد و این دیدگاه از حضرت علی و ابن عباس منقول است، زیرا که زکات عبادت است و اطفال مکلف به ادای عبادات نیستند، مانند اینکه روزه و نماز بر آنها واجب نیست پس زکات هم واجب نیست و ازینکه زکات عبادت مالی است، پس ولی صبی میتواند از طرف آن تصرف نماید و زکات اموال آن راپردازد.
- ۳- عقل یعنی زکات دهنده باید عاقل باشد: یکی از شرائط فرضیت زکات عاقل بودن زکات دهنده است یعنی زکات بر انسان دیوانه و مجنون واجب نیست چون زکات عبادت بوده و مجنون مکلف به عبادات نیست، البته قابل ذکر است که مجنون دو قسم است یکی جنون اصلی یا حقیقی و آن اینکه انسان قبل از بلوغ مجنون بوده و در حال جنون بالغ شده باشد به چنین مجنونی زکات

درس بیست و دوم: نصاب زکات

صفحه: ۴۳

وقت : یک ساعت درسی.

اهداف درس شاگردان باید:

- نصاب زکات را بدانند.
- بفهمند که تا نصاب زکات تکمیل نباشد زکات فرض نمی شود.
- مقدار نصاب زکات را برای دیگران بیان کرده بتوانند.
- باور کنند که وجود نصاب در باب زکات شرط است.

دانش لازمی

هدف از نصاب زکات

نصاب در لغت عربی به معنی اصل است و نصاب $الاکاة$ یعنی مقدار معینی از مال که در صورت تکمیل آن زکات فرض میگردد.

در اصطلاح شرعی: نصاب عبارت از مقدار سرمایه ای هست در کمتر از آن زکات واجب نشود. و در بحث زکات، نصاب هر مال زکات از مال و ثروت دیگری فرق می کند که بعدا توضیح داده میشود.

اموالیکه در آنها زکات واجب میگردد

در مجموع پنج نوع مال است که در آنها زکات واجب میشود و آن را اموال زکاتی هم میگویند مانند:

۱- حیوانات (بز، گوسفند، گاو، گاومیش، غرگاو، شتر، و غیره...

۲- طلا و نقره.

۳- اموال تجارت (کالاهای تجارتي).

۴- معادن و رکاز.

۵- کشت و میوه ها.

مراحل فرضیت زکات

درین شکی نیست که زکات در برنامه های دعوتی پیامبران الهی که قبل از پیامبر اسلام ﷺ حضرت محمد مصطفی ﷺ به طرف بشریت فرستاده شدند وجود داشته است طوریکه یکی از آیات قرآنی این مسئله را چنین بیان میکند: (وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ).

ترجمه: ما آنان را پیشوایانی نمودیم که برابر دستور ما مردم را رهبری می کردند، و انجام خوینها و اقامه نماز و دادن زکات را بدیشان وحی کردیم، و آنان تنها ما را می پرستیدند.

البته ممکن کیفیت آن زکات به کیفیت که امروزه در شریعت محمدی مشروع است تفاوت داشته باشد، ولی نفس زکات که همان دستگیری فقرا و کمک به هم نوع خود میباشد، چیزیست که در آن زمان نیز مروج بوده است.

تاریخ مشروعیت زکات

در موضوع مشروعیت زکات در شریعت محمدی فقهاء -رحمهم الله تعالی- دو دیدگاه دارند:

۱- دیدگاه اول: آنکه زکات در مکه فرض شده بود و این دانشمندان به آیات که واژه (زکات) در آن بکار رفته و در عهد مکی نازل شده است استدلال کردند مانند: (فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُ رَقَبَةً * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ).

ترجمه: او خویشتن را به گردنه نمی زند، تو چه می دانی آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده است، یا خوراک دادن در زمان گرسنگی است، به یتیم خویشاوند، یا به مستمند خاک نشین.

و نیز بر اساس آیه: (فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ * وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ).

ترجمه: یتیم را به سختی مران و او را زبون مدار و گدارا با خشونت مران، و همچنان بر بنیاد آیه (۲۴) سورة معارج و به آنچه حضرت جعفر -رضی الله عنه- در حبشه در پیشگاه نجاشی مطرح کرد او فرمود: (وَيَأْمُرُنَا بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ). یعنی آن حضرت ﷺ ما به نماز، زکات و روزه دستور میدهد، استدلال نموده گفتند که زکات در عهد مکی فرض شده بود.

۳- دیدگاه دوم: این است که زکات در عهد مدنی فرض شده است و همین دیدگاه راجح است که زکات در سال دوم هجری در ماه شوال در مدینه منوره فرض گردید و آنچه که در آیات

مکی مشاهده شد، به عنوان فرض نه بلکه به حیث یک همکاری و تعاون و دستگیری انسانهای راه افتاده و نیازمند بود.

و چون در حقیقت زندگی مکی تمرینی بود برای آغاز یک زندگی دیگری، بدین خاطر به مسلمانان دستور زکات به عنوان یک امر مستحب داده شده بود تا تمرین و آمادگی باشد برای ادای زکات در آینده به حیث یک فریضه الهی و رکن برجسته اسلام عزیز (والله اعلم).

ابن حجر عسقلانی هم بدین باور است که آنچه در مکه زکات خوانده می شد دارای نصابی به این شکل مخصوص که در مدینه فرض شد، نه بود و در واقعه حضرت جعفر که از زکات نام برده شده از روزه نیز نام برده شده است در حالیکه به اتفاق فقهاء روزه در مدینه فرض شده است، و هم چنان در حدیثی آمده است: (أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِصَدَقَةِ الْفِطْرِ قَبْلَ أَنْ تَنْزِلَ الزَّكَاةُ فَلَمَّا نَزَلَتِ الزَّكَاةُ لَمْ يَأْمُرْنَا وَلَمْ يَنْهَنَا وَنَحْنُ نَفْعَلُهُ). یعنی رسول اکرم ﷺ قبل از فرضیت زکات ما را به ادای صدقه فطر دستور داده بود، وقتی زکات نازل شد، دیگر ما را به ادای صدقه فطر نه دستور میداد و نه نهی میفرمود و ما آن را انجام میدادیم.

اهمیت ادای زکات

ادای زکات یکی مسؤولیتهای ایمانی و اسلامی مسلمانان است که در صورت داشتن قدرت و توان (نصاب) به پرداخت آن اقدام نمایند، و مسلمان نباید در پرداخت آن تعلل و بهانه جویی کند که این قضیه ایمان یک انسان مسلمان را به محک امتحان و آزمایش میکشاند و نیز زکات از ارکان اسلام میباشد و در کل پرداخت زکات خویهای ذیل دارا است:

- ۱- عمل به دومین ارکان اسلام.
- ۲- نمادی از درخشش وقوت ایمان انسان مسلمان است.
- ۳- زکات از تمام صدقات برتری داشته و باعث تقرب انسان به پروردگارش میشود.
- ۴- ادای زکات در حقیقت مبارزه جدی با هواپرستی و مادیات گرایی است.

درس بیست و سوم: زکات (عشر) غله ها، و میوه ها

صفحه: ۴۷

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مقدار زکات حبوبات و میوه ها را بدانند.
- بفهمند که در کدام حبوبات به چه میزانی زکات فرض است.
- برای فرضیت عشر از قرآن و حدیث دلایل بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی

فرضیت عشر

عشر یعنی زکات حبوبات، کشت و زراعت و میوه جات از قرآن و حدیث، اجماع و قیاس ثابت است.

۱- قرآن کریم درین باره میفرماید: (وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ) یعنی به هنگام رسیدن و چیدن و درو کردن از آنها ببخشید و زکات لازم آنها را بدهید.

مفسرین بدین نظر اند که هدف از حق در آیه فوق عشر است.

۲- در حدیث ازین قول گهر بار پیامبر اکرم ﷺ ثابت میشود که آن حضرت ﷺ فرمود: زمینی که به وسیله آب باران سیراب شود در آن عشر (دهم حصه) است و زمینی که به وسیله چاه و جوی سیراب شود، در آن نصف عشر یعنی بیستم حصه است.

۳- از اجماع و نیز امت اسلامی از صدر اسلام تاکنون بر فرضیت آن اجماع دارد.

توضیحی در مورد زمین عشری و خراجی

- زمین عشری: عبارت از زمینی است که مسلمانان آن را از کفار به قدرت و غلبه گرفته و در میان افراد مسلمان تقسیم کرده باشند و یا اهل آن سرزمین به میل و رغبت خود اسلام آورده باشند.

- زمین خراجی: عبارت از زمینی است که بعد از غلبه مسلمانان بر زمین های کفار آن را به خود آن مردم واگذار کرده باشند و از ایشان جزیه بگیرند.

سبب فرضیت عشر

سبب عشر در حقیقت زمینی است که از حاصلاتش حقیقتاً استفاده شود بر خلاف زمین خراجی که در آن استفاده از حاصلاتش حقیقتاً ضروری نیست پس اگر قدرت کشت را در زمین خراجی داشت ولی چیزی در آن نکارید، خراج بروی لازم میشود، ولی در صورت که کشت را آفت برسد که چیزی بدست نیاید، نه عشر واجب میشود و نه خراج. (بحرالرائق)

شرائط وجوب عشر

شرائط وجوب عشر دو قسم است:

قسم اول: شرط اهلیت یعنی عشر دهنده اهلیت آن را داشته باشد و شرط اهلیت باز بر دو قسم است:

- ۱- مسلمان باشد، پس به اتفاق دانشمندان اسلامی عشر بر کافر فرض نیست.
- ۲- بر فرضیت عشر علم داشته باشد، و این شرط جنبه عمومی دارد، در تمام عبادات داشتن علم شرط شمرده شده است، و عقل و بلوغ برای وجوب عشر شرط نیست چون عشر اجرت زمین بوده و لذا بر زمین مجنون و دیوانه نیز عشر واجب است.

قسم دوم: شرط وجوب است یعنی موجودیت محل عشر است، خواه زمین عشری باشد و زمین خراجی نباشد.

درس بیست و چهارم: زکات حیوان

صفحه: ۴۹

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

- حیوانات که زکات در آنها فرض است را بدانند.
- نصاب مقدر شرعی برای وجوب زکات حیوانات را بفهمند.
- در مورد زکات حیوانات به دیگران توضیح داده بتوانند.

دانش لازمی

توضیح مسئله

امام محمد و فقهای که بعد از وی بودند در باب زکات حیوانات، اصطلاح (سائمه) یعنی حیوانات چرنده را بکار می‌برند و دلیل آنها مکتوباتی (نامه‌ها) است که از پیامبر گرامی اسلام ﷺ درین مورد بجا مانده است و معنی اصطلاح (سائمه) را در ذیل مینویسم:

- ۱- از لحاظ معنی لغوی لفظ (سائمه) حیوان چرنده را گویند جمعی بدین نظرند که سائمه آن شتری است که به چراگاه برده شود و از گیاهان آن استفاده کند و در خانه پا برجا گیاه داده نشود.
- ۲- معنی فقهی البته واژه سائمه در فقه حیوانی را گویند که بشتین حصه سال را در چراگاه سپری نموده و از گیاه مباح آن استفاده نماید و هیچ نوع مأونت مالی را بر مالک اش وارد نکند پس مباح بودن علف و گیاهی که حیوانات می‌چرند ضروریست چون در صورتی که گیاه مباح نباشد آن حیوانات هم سائمه محسوب نمی‌شوند.

- ۳- مقصود از نگهداری آن شیر و نسل باشد، و اگر مقصود از آن گوشت یا سواری باشد سائمه گفته نمی‌شود، و در آن زکات واجب نمی‌گردد.

حیواناتی که در آنها زکات واجب نیست

- ۱- بر اسبها زکات نیست: صاحبین بدین نظرند که در اسبها زکات واجب نیست و همین دیدگاه مختار برای فتوی است، بلی در صورت که اسبها بخاطر تجارت باشد در آن زکات واجب است، چون درین صورت مانند مال تجارت بوده و حکم آن را بخود میگیرد برابر است که اسبها در خانه گیاه بخورند و یا در صحرا.

- ۲- بر خر و قاطر نیز زکات نیست: اگر نزد کسی حیوانات دیگری مانند خر و قاطر وجود داشته باشد، در نفس آن حیوانات زکات نیست چون آن حیوانات مال تجارت محسوب میشود پس زکات آن بر اساس کار برد تجارتي آن حساب میشود البته در صورتی که قیمت آن بحد نصاب رسیده باشد و اگر به حد نصاب نباشد اصلا سوالی مطرح نمی شود.
- ۳- در چوپه های حیوانات سائمه نیز زکات واجب نیست: برابر است این چوپه ها از شتر باشد، و یا از گاو و یاهم گوسفند و بز.
- ۴- هر آن حیواناتی که سواری میدهند، بار می کشند و یا در خانه علف و گیاه می خورند در آنها نیز زکات واجب نیست، چون در حدیثی آمده است که (عوامل و علوفه) یعنی در حیوانات کارگر، باربر و گیاه خوار، زکات نیست.

درس بیست و پنجم: مصارف زکات

صفحه: ۵۱

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

- مصارف زکات را بشناسند.

- بفهمند که زکات به کسی که مستحق آن نیست داده نمی‌شود.

- در مورد مؤلفه القلوب معلومات داده بتوانند.

دانش لازمی

مستحق زکات کیست؟

(إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ).

هدف از مصارف و یا مستحق زکات آن عده افراد و اشخاصی است که از نقطه نظر شرعی مستحق زکات شناخته شدند، و آنها در آیه مبارکه فوق بیان گریده اند، درین آیه مبارکه هشت قسم افراد مستحق زکات ذکر شده است ولی فقهای کرام در کتابهای خود آن را هفت قسم نگاشته اند و مؤلفه القلوب را بدلیل اجماع صحابه کرام از مستحقین زکات حذف کردند. آن هفت قسم اشخاص مستحق زکات این است:

۱-۲- فقیر و مسکین

فقهای کرام در مورد تعریف و توضیح این دو اصطلاح یعنی فقیر و مسکین چنین نظر دارند، در صورت که لفظ (فقیر و مسکین) بطور جدا و مستقل ذکر شود، به معنی یکدیگر بکار می‌رود ولی در صورتی که هر دو لفظ در یک کلام جمع شود، درین صورت فقهای حنفی بدین نظر اند که: فقیر آنست که ثروت اش اندک باشد یعنی در حالیکه مالش نمو کننده و عاری از قرض است، ولیکن به حد نصاب نمی‌رسد و یا مالش نمو کننده و عاری از قرض بوده و به قدر نصاب هم می‌رسد ولی از ضروریات حیات و زندگی اش می‌باشد مانند: خانه مسکونی، موتر سواری و غیره، و برای او اجازه سوال کردن نیست.

۲- مسکین

مسکین آنست که هیچ ثروت و مالی نداشته باشد و حتی برای پوشیدن و پنهان کردن بدنش نیز چیزی نداشته باشد و سوال کردن (گدایی) برای او درست و حلال باشد، چون برای کسیکه بدنش را پوشانده بتواند، اجازه گدایی و سوال کردن ندارد.

۳- عامل

عامل شخصی را گویند که امام و حاکم برای جمع آوری زکات و عشر مقرر کرده باشد، لفظ عامل عام است که نامهای ذیل را شامل میگردد:

- ۱- ساعی: ساعی آنست که به هدف جمع زکات حیوانات مقرر شده باشد.
- ۲- عاشر: آنست که به هدف جمع آوری عشر حیوانات از طرف امام و حاکم وقت مقرر میگردد، و به این افراد از مال زکات به قدری داده میشود که مخارجش را در حد متوسط آن در خلال سفر و رفت و آمد بسنده باشد.

۴- رقاب (برده)

چهارمین مصرف زکات رقاب یعنی برای آزادی برده و غلامی که مکاتب میان او و بدارش صورت گرفته باشد و در تلاش پیدا کردن پول آزادی خود است، برای آزادی او از اموال زکات پرداخت میگردد تا او آزادی خود را کسب نماید، و غلام بر اساس اطلاق آیه مبارکه عام است غلام کلان و کوچک هر دو را شامل میشود، و در صورتی که مکاتب هاشمی باشد، زکات دادن به آن درست نیست.

۵- غارم (قرضدار)

یکی دیگر از مصارف زکات غارم یا قرض دار و مدیون است، بدین معنی که اگر فردی مدیون و قرض دار است و دارایی ندارد که قرض اش را بپردازد، درین صورت از مال زکات که از مردم ثروت مند جمع آوری میشود داده میشود تا بتواند قروض خود را بپردازد، البته قابل ذکر است که در آیه مبارکه لفظ (غارم) علت مصرف زکات نیست بلکه علت مصرف زکات فقر است او اگر قرض داری ثروت مند است، به وی زکات دادن درست نیست و هم چنان قابل ذکر است که (غارم) هاشمی یا از سادات نباشد.

۶- فی سبیل الله

ششمین مصرف زکات (فی سبیل الله) است یعنی افرادی که در راه خداوند جل جلاله مصروف کارهای خیر و نیک باشند.

توضیح: هدف از فی سبیل الله در آیه مبارکه چه کسانی هستند؟، درین مسئله درمیان فقهای کرام دیدگاههای متفاوت دیده می شود مثلاً: حضرت امام یوسف بدین نظر است که منظور از فی سبیل الله آن افرادی اند که به جهت فقر و تنگدستی از کاروان جهاد در راه خداوند جل جلاله عقب مانده اند چنین افرادی از مال زکات تقویت و کمک شوند.

حضرت امام محمد بدین باور است که منظور از فی سبیل الله افرادی اند که از قافله حجاج بیت الله الحرام عقب ماندند و قدرت و توان مالی شان به حدی ضعیف است که نمی توانند به ادای مناسک حج شان ادامه دهند به چنین افراد و اشخاصی نیز از مال زکات مصرف میشود. و صاحب بدائع الصنائع لفظ فی سبیل الله را عام دانسته و بر اساس دیدگاه او تمام مجراهای خیر و نیکی را شامل میگردد ولی بدلیل اینکه یکی از شرایط زکات نزد فقهای حنفی مسئله تملیک است یعنی باید پول را به کسی بدهیم که اوقادر به مالک شدن آن باشد و هر کسی و مصرفی که قدرت تملک را ندارد، مستحق زکات نیز نمی باشد، زکات داده نمی شود بدین خاطر است که در مصارف چون: تکفین میت و کندن قبر و غیره اعمار مساجد استفاده نمی شود، بر حال این موضوع قابل تامل و تحقیق است.

۷- ابن السبیل (فرزند راه)

هفتمین مصرف زکات ابن سبیل است، هدف از ابن سبیل همان مسافریست که از خانه و کاشانه اش بدور مانده و قدرت و توان مالی نداشته و نیازمند کمک و همکاری می باشد، است و چنین افرادی را ابن سبیل بدین خاطر میگویند که او ملازم و متعلق راه است و به همین مناسبت مسافر به ابن سبیل مسمی شده است، قابل ذکر است که اگر مسافر هرچند در وطنش قدرت مالی هم داشته باشد باز هم در حین سفر و دور از خانه و وطنش اگر فقیر شود مستحق زکات محسوب میشود.

درس بیست نهم و بیست و هفتم: حج و مسائل آن

صفحه: ۵۳

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

- معنی و مفهوم حج را بدانند.
- سبب و شروط حج را بفهمند.
- برای فرضیت حج از قرآن و حدیث دلیل آورده بتوانند.
- به فریضه حج عقیده پیدا کنند.

دانش لازمی

تحقیق واژه (حج)

لفظ حج بدو گونه خوانده میشود یکی به فتح (ح) درین صورت حج اسم میباشد و دوم به کسر (ح) درین صورت مصدر میباشد یعنی حج کردن، و حج را در لغت قصد را گویند که موصوف به صفت (عظمت) باشد یعنی حج به معنی قصد عظیم و بزرگ است و عده از فقهاء حج را همین گونه معنی کرده اند.

سبب حج

مسئله ای در فقه اسلامی به عنوان سبب اعمال و یا اسباب وجوب اعمال مطرح است و حج هم یکی از عبادات عظیم اسلامی است پس سبب آن نیز باید روشن شود، لذا راجع به سبب حج گفته اند که سبب حج بیت الله الحرام است، چون در نصوص اسلامی لفظ حج به طرف بیت الله نسبت شده است مانند (حج البيت) و قاعده است که احکام به سوی اسباب، اضافه میشود، مانند اصول الفقه، پس تقاضای اضافه حج به طرف بیت الله هم همین است که بیت الله سبب وجوب حج باشد و به همین خاطر است که حج در طول عمر بر انسان یک بار فرض میشود چون سببش یعنی بیت الله یک است.

فرضیت حج

حج پنجمین رکن اسلام و عظیم ترین عبادت میباشد و تمام پیامبران الهی از آدم تا خاتم النبیین فریضه حج را ادا کرده اند، و درین بحث سه موضوع قابل توضیح است:

اول- دلایل فرضیت حج در قرآن و سنت و اجماع امت درین قضیه هیچ گونه شک و شبه ای وجود ندارد که حج هم مانند عبادات دیگری چون نماز، روزه و غیره فرض عین بوده و فرضیت اش با دلایل قطعی ثابت است.

۱- از قرآن کریم

(وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) یعنی: و حجّ این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانائی برای رفتن بدانجا را دارند، و هر کس کفر ورزد پس خداوند عَلَّاهُ از همه جهانیان بی نیاز است.

استدلال از آیه فوق الذکر بر فرضیت حج را علما بدین گونه بیان کرده اند:

۱- لفظ (علی) برای ایجاب شی بکار برده میشود.

۲- لفظ (و من کفر) نیز برین مسئله دلیل روشن است، هر چند عده از علماء بدین نظرند که آیه (و اتموا الحج و العمرة لله) در باره فرضیت حج نازل شده است و لی راجح آنست که آیه فوق الذکر در باره فرضیت حج نازل شده است.

۳- در آیه مبارکه فوق اول لفظ (النَّاس) و سپس لفظ (مَنْ) استفاده شده است که از دو لحاظ نشانگر تأکید است یکی اینکه لفظ (الناس) به (من) تبدیل شده که از نگاه بلاغی دال بر تنبیه و ایقاظ میباشد. و دوم اینکه در آیه کریمه تفصیل بعد از اجمال و توضیح پس ابهام وجود دارد. در آیه مبارکه الله تعالی استغنا و بی نیازی خود را بیان کرده که در واقع برای تارک حج نهایت خشم و غضب الله تعالی را نشان میدهد.

۲- فرضیت حج در احادیث

۱- (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْحَجَّ فَحُجُّوا) یعنی خداوند عَلَّاهُ حج را بر شما فرض نموده است پس حج نمایید.

۲- بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ... وَالْحَجِّ) یعنی اسلام بر پنج ستون نهاده شده است که از جمله حج بیت الله الحرام میباشد.

۳- فرضیت حج در اجماع امت اسلامی

امت اسلامی از صدر اسلام تاکنون در مورد فرضیت حج اختلاف نظر نداشته و همه متفق بودند براینکه حج فرض عین است.

۴- **از نظر عقلی (قیاس):** از نظر عقلی هم مسئله کاملاً واضح است زیرا تمام عبادات که در شریعت محمدی مشروع است دو هدف اساسی دارد.

۱- اظهار و ابراز عبودیت و عجز و ذلت برای الله تعالی.

۲- اظهار و ابراز شکران نعمت های الهی، این دو هدف در عبادت حج نیز دیده میشود و موجود است.

دوم- فضائل حج

در باره فضیلت و جایگاه حج آیات و احادیث زیادی وارد شده است که ما درین جا برخی آنها را ذکر میکنم:

۱- (وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) ای پیغمبر! به مردم اعلام کن که، پیاده، یا سواره بر شتران باریک اندام که راههای فراخ و دور را طی کنند، به حج کعبه بیایند.

۲- در حدیثی چنین روایت شده است: (مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ).
یعنی: هر کی در حالی حج نماید که گناه و نافرمانی نکند، بحالتی از حج برمیگردد که مادرش او را جدیداً زاده بود.

۳- آن حضرت ﷺ فرمود: (الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ).

یعنی: پاداش حج مقبول صرف بهشت است.

۴- پیامبر اسلام ﷺ میفرماید: (الْحُجَّاجُ وَالْعُمَرَاءُ وَقَدْ أَدَّاهُ اللَّهُ دَعْوَهُ أَجَابَهُمْ وَإِنْ اسْتَغْفَرُوا غُفِرَ لَهُمْ).

یعنی: حج کنندگان و عمره کنندگان مهمانان خداوند ﷻ اند، اگر دعا کنند خداوند ﷻ اجابت میکند، و اگر استغفار نمایند، ایشان را می بخشد.

سوم- شرایط وجوب حج

شرایط وجوب حج در کل شش قسم است و هدف ازین شرایط این است که اگر شرایط مذکور در شخصی پیدا شود، حج بروی فرض میباشد و اگر یکی از شرایط مذکور در وجود فرد پیدا نشود، حج بروی فرض نیست.

۱- **اسلام:** یعنی شخص باید مسلمان باشد و صادقانه کلمه توحید را خوانده باشد چون حج عبادت است و کفار و غیر مسلم به احکام شرعی و عبادات اسلامی مکلف نیستند، البته اگر کسی منافق

باشد و در حالت نفاق فریضه حج را ادا کند، مسلمانان در قبال آن هیچ نوع مسئولیتی ندارند که او را منع کنند و لی حج آن نزد الله تعالی قابل قبول نخواهد بود.

۲- بالغ بودن: انسان تا وقتی که به سن بلوغ نرسیده باشد حج بروی فرض نمی‌باشد، چون آنها مکلف شرعی نیستند در حدیثی وارد شده است که زنی طفل اش را به سوی پیامبر اسلام ﷺ بلند کرد و گفت: (أَلْهَذَا حَجٌّ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ وَلَكِ أَجْرٌ) ای رسول خدا! براین طفل حج فرض است ؟ آن حضرت ﷺ فرمود: بلی حج کرده میتواند ولی اجرش به تو می‌رسد، پس معلوم شد که خود آن طفل مکلف نه بوده تا اجرش را بگیرد و نصوص دیگر براین دلالت دارد.

۳- عقل: هم چنان یکی از شرایط فرضیت حج همان داشتن عقل است چون افراد مجنون و دیوانه مکلف به تکالیف شرعی نمی‌باشند. (رَفَعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ الْمَجْنُونِ الْمَغْلُوبِ عَلَى عَقْلِهِ حَتَّى يَفِيقَ...) یعنی تکلیف شرعی از سه شخص مرفوع شده است که یکی آنها دیوانه ای است که عقل خود را از دست داده است تا این به هوش آید.

۴- حریت یا آزاد بود: یکی دیگر از شرایط حج آزادی است درین جا مراد از آزاد در مقابل غلام است پس حج بر افراد غلام و برده فرض نیست زیرا که قدرت و توان مالی نیز یکی از شرایط حج بوده و غلام و برده مالک ثروت و مال شده نمی‌تواند ولی در صورت که با دارش برایش اجازه حج را بدهد حج او صحیح میباشد و اگر بدون اجازه آقای خود حج نماید گنهگار میشود و نیز وقتی آزاد شود، حج فرضی را دو باره ادا نماید، چون بار اول حج اش در حالت غلامی ادا شده است.

۵- استطاعت یعنی قدرت مالیداشتن: همچنان داشتن سرمایه، و توان مالی برای ادای فریضه حج نیز شرط بوده و هر کسی که توان و قدرت مالی برای مخارج و مصارف حج را ندارد حج بروی فرض نیست زیرا که الله تعالی فرموده است: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا).

۶- وقت حج: شرایط دیگری برای حج وقت آن است یعنی حج در یک وقت مخصوص صورت میگیرد که باید آن وقت فرا رسیده باشد و آن وقت عبارت است از ماهای حج که در قرآن کریم هم به همین نام (ماه‌های حج) یاد شده است: (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ...) پس در طول سال علاوه ازین ماه‌ها عبادت حج انجام نمی‌شود آنها شوال، ذی القعدة و ذی الحجة است.

درس بیست و هشتم: حیاء

صفحه: ۵۹

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

- معنی لغوی واصطلاحی حیاء را بدانند.
- اهمیت صفت حیاء در زندگی را بفهمند.
- برای فضائل و جایگاه حیاء دلایل ذکر کرده بتوانند.

دانش لازمی

- **حیاء در اصطلاح:** راجع به تعریف اصطلاحی حیاء علما تعاریف مختلفی را ارائه کرده اند که ما درین جا به یک تعریف اکتفا میکنیم: امام راغب میگوید: (حیاء عبارت است از انقباض نفس در مقابل قبائح).

پس میتوان چنین گفت که حیاء یکی از صفات نیک و برجسته در وجود انسان است که حتی بخش از ایمان او محسوب میشود.

صفت حیاء نشانگر اعتدال دین اسلام

در تعالیم یهودیت قاطعیت و سختگیری وجود داشت در حالیکه تعلیمات حضرت عیسی مملو از گذشت و عفو و بخشش بود ولی دین مبین اسلام درمیان هر دو به صورت اعتدالی اش برای هدایت بشریت آمده است، معلوم است که تمام ادیان، بشریت را به سوی اخلاق نیکو و شائسته فرا میخواند ازین رو پیامبر ﷺ فرمود: (إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خُلُقًا وَخُلُقُ الْإِسْلَامِ الْحَيَاءُ) یعنی هر دینی به اخلاق و خوی نیک امر کرده است و اخلاق اسلام همانا حیا است. پیامبر اکرم ﷺ خواسته است که مسلمانان را آنقدر به دریافت خیر و خوبی و نیکی و کسب فضائل و شناخت بدی و قبیاح و رذائل، حساسیت داشته باشند و در نهاد شان این انگیزه و احساس غرس شود که دیگر در انجام فضیلت و ترک رذایل به دنبال ثواب و عقاب نباشند چنانچه ابن قیم جوزیه درین خصوص میگوید: فرض کن که پیامبران الهی نیامده اند، و آتش جهنم روشن است، آیا واجب و سزاوار نیست که بندگان از منعم و پروردگار خود شرم و حیاء داشته باشند؟.

حیاء و ایمان باهم پیوند عمیق دارند

ارتکاب کارهای ضد فضیلت و زشت در حقیقت نشانگر این است که انسان صفت حیاء را از دست داده و استمرار و مداومت اش بر چنین اعمال ضد ارزشهای اخلاقی، رفته رفته ایمان او را نیز از وی میگیرد طوریکه پیامبر ﷺ فرمود: (الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ قَرْنَا جَمِيعًا فَإِذَا رَفَعَ أَحَدُهُمَا رَفَعَ الْآخَرَ) حاکم).

یعنی: ایمان و حیاء باهم اند و هر گاه یکی آنها برداشته شود، دیگرش نیز برداشته میشود.

و در روایت دیگر این گونه آمده است: (الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ، لَا يَفْتَرَقَانِ إِلَّا جَمِيعًا).

ایمان و حیاء با هم پیوند خورده اند و از یکدیگر جدا نمی شوند مگر اینکه هردو از بین بروند.

و هم چنان در حدیثی میخوانیم: (الْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ) یعنی حیاء جز خیر و سعادت، چیز دیگری به دنبال ندارد.

درس بیست و نهم: تواضع

صفحه: ۶۱

وقت: یک ساعت درسی

اهداف درس: شاگردان باید:

- معنی و مفهوم تواضع را بدانند.
- بفهمند که تواضع یک صفت خوب برای انسان است.
- نمونه های از تواضع پیامبر ﷺ را بیان کنند.

دانش لازمی

مفهوم تواضع

لفظ تواضع از وضع مشتق بوده و وضع به معنی نهادن و فرو نشاندن چیزی است و بدین خاطر است که تولد طفل را وضع حمل میگویند چون طفل به زمین نهاده میشود و مفهوم آن از نظر اخلاق اسلامی این است که انسان خود را در برابر الله تعالی و مخلوقات اش (انسانها) از مقامی که دارد پائین تر تصور کند و ضد آن و یا نقطه مقابل آن تکبر است یعنی فخر فروشی و خود بزرگ بینی، صفت تواضع آن قدر مهم است که حضرت لقمان حکیم وقت فرزند اش را توصیه میکرد، از کنار آن به سادگی نگذشته بلکه به فرزند اش گفت (وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ) یعنی با تکبر و بی اعتنائی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو، چرا که خداوند ﷻ هیچ متکبر مغروری را دوست نمی دارد. و شاعر هم میگوید:

تواضع گر همیخواهی رفیق بید معجون شو* که هر چند رو به بالا میرود سر بر زمین دارد.

نمونه های از تواضع پیامبر ﷺ

تعلیمات اسلام عزیز روی مسئله تواضع و فروتنی تأکید زیادی داشته و آن را به عنوان یک ارزش اخلاقی مؤثر در ایجاد فضای اخوت و برادری و همدیگر پذیری معرفی کرده است، انسان در هر سطح و مقام و جایگاه که باشد نباید ازین ارزش بزرگ انسانی غافل بماند. شما تواضع را به گراف بالای آن در تمام زندگی پیامبر ﷺ و اصحاب کرامش دیده میتوانید مثلاً آن حضرت ﷺ در حجة الوداع که حدود یک لک و بیست و چهار هزار صحابه او را همراهی میکردند هیچ محافظ و دفاع کننده ای نداشت و هیچ جای مخصوصی برایش در نظر گرفته نشده

نمونه های از تواضع در زندگی مؤمن



درس سی ام: صله رحمی

صفحه: ۶۳

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم صله رحم را بدانند.
- انواع صله رحم را بفهمند.
- از قرآن و حدیث برای صله رحم دلیل بیان کنند.

دانش لازمی

- مفهوم صله رحمی

لفظ (صله) از (وَصَلْتُ الشَّيْءَ وَصَلًا) مأخوذ بوده و از نگاه لغوی ضد قطع و ترک وجدایی میباشد. در قرآن و حدیث این اصطلاح زیاد تکرار شده و منظور از این است که انسان به اقارب نسبی و صهری باید کمک و همدردی داشته و از امور و زندگی آنها آگاه بوده و در رفع مشکلات و برآورده سازی نیازمندی های ایشان به اندازه قدرت و توان بکوشد و ضد این لفظ قطع صله رحمی است یعنی عدم همکاری و همدردی به اقارب و خویشاوندان.

انواع صله رحمی

دائماً هدف از صله رحمی همکاری پولی و مادی نمی باشد چون انسان میتواند به انواع مختلف این وظیفه اسلامی خود را انجام دهد از جمله:
بامال، باخدمت، زیارت، سلام دادن، خیر خواهی، رفع ظلم از آنها و در صورت که آنها اشتباهی کردند بخشیدن شان و...

صله رحمی از بزرگ ترین طاعات الهی میباشد

نصوص وارده در کتاب و سنت نشان می دهد که صله رحمی یک امر مهم و بزرگ در اسلام بوده و قطع صله رحمی از گناهان بزرگ قلم داده شده است بطور مثال:

۱- الله تعالی به رعایت صله رحمی امر فرموده است ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا﴾. (النساء آیه ۳۶)



خدا را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او نکنید، و نیکی کنید به پدر و مادر، به خویشاوندان، به یتیمان، به مسکین ها، به همسایگانِ خویشاوند، به همسایگانِ بیگانه، به همدمان، به مسافران، و به بندگان و کنیزان بیشک خداوند عَلَّاهُ کسی را دوست نمی دارد که خودخواه و خودستا باشد. و در جای دیگر الله تعالی میفرماید (وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا).

ترجمه: حق خویشاوند را (از قبیل صله رحمی و نیکوئی و مودّت و محبّت) بده و حق مستمند و راه مانده (از قبیل زکات و صدقه و احسان)، پرداز، و به هیچ وجه تبذیر مکن.

۲- صله رحمی اولین هدف دعوت پیامبر ﷺ

این مسئله آن قدر مهم بود که آن حضرت ﷺ در اولین روزهای دعوت اش آن را در خلال مسایل و موضوعات دیگر گنجانید طوریکه در حدیث ابو سفیان بن حرب وارد است که هنگامی که هرقل از وی راجع به پیامبر اکرم ﷺ سوال کرد که به چه چیزی شما را دعوت می کند، ابو سفیان در پاسخ گفت: (يَأْمُرُنَا بِالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ وَالْعَفَافِ وَالصَّلَةِ).

ترجمه: او ما را به نماز، صدقه، عفت و صله رحمی دستور می دهد.

درس سی و یکم: راستی (صداقت)

صفحه: ۶۵

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس

شاگردان باید:

- اهمیت صداقت و راستکاری را بدانند.
- بفهمند که صداقت و راستکاری باعث نجات از مصائب میشود.
- راجع به صداقت و راستی معلومات داده بتوانند.

دانش لازمی

اهمیت صداقت و راستی

حقیقت آنست که صدق و راستی نشانه ایمان، و زینت و مغز و جوهر عقیده اسلامی بحساب می‌رود و در مقابل کذب و دروغ دریچه‌ای به سوی معصیت، نفاق و بددیانتی است. گویا سعادت و شقاوت بشری میان دو چیز می‌چرخد یعنی میان صدق و کذب چون پیامبر ﷺ گفت: (الصدق ینجی والکذب یهلک) یعنی راستی صفت نجات بخش و دروغ خصلت هلاکگر است. صدق و راستی صفتی است که در طول تاریخ بشری تماماً به حسن آن اتفاق نظر داشته و یکی ارزشهای مقدس و مطلوب شناخته شده است و در اسلام عزیز هم صدق یکی از عالی ترین صفات نیک محسوب میشود که برای رعایت آن در قرآن و سنت نصوص گوناگونی وارد شده که این از ذکر همه آنها معذوریم ولی به آن در ذیل اشاره می‌گردد:

- جایگاه صداقت و راستی

۱- پیامبر ﷺ و پیروان راستین به آن متصف شدند: ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ الزمر (۳۳) یعنی کسی که حقیقت و صداقت را با خود آورده و کسی که حقیقت و صداقت را باور داشته است، آنان پرهیزگاران واقعی هستند.

۲- صداقت از اولویات دعوت اسلامی بحساب می‌رود. چنانچه در حدیث ابوسفیان گذشت که او گفت: (وَأَمَرْنَا بِالصَّلَاةِ وَالصَّدَقِ) یعنی پیامبر ﷺ ما را به نماز و راستکاری دستور میدهد.

۳- صداقت و راستی دارای فوائد و ثمرات زیادی هست که در ذیل به چند نمونه آن اشاره میشود:

۳- صداقت و راستی سر چشمه خویبها و شائستگی ها است و صداقت در حقیقت محور پیروزیها و موفقیت های دنیا و آخرت است طوریکه پیامبر ﷺ فرمود: (فان الصدق يهدي الى البر) یعنی راستی به سوی نیکها سوق میدهد.

۴- صداقت ضد و نقطه مقابل نفاق میباشد (ثلاث مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا إِذَا حَدَّثَ كَذِبَ) یعنی سه صفت طوری است که در هر کسیکه باشد او منافق است از جمله: وقتی سخن بگویند، دروغ میگویند.

۵- صداقت و راستی باعث نجات از مصائب و مشکلات میگردد طوریکه چند نفر در گذشته ها در کوهی داخل مغاره ای گیر ماندند، راه دیگر برای بیرون رفت نه بود، آنها به یکدیگر شان گفتند (إِنَّهُ وَاللَّهِ يَاهُوْلَاءِ لَا يَنْجِيكُمْ إِلَّا الصَّدَقُ) یعنی به خداوند ﷻ سوگند شما را ازین مصیبت به جز راستی و صداقت تان چیز دیگری نجات نخواهد داد، چنانچه با صداقت و راستی که قبلاً انجام داده بودند از آن نجات یافتند.

۶- صداقت و راستی باعث رضایت الله میشود، در جنگ تبوک که مسلمانان خیلی نیاز جدی به مال و افراد داشتند چون دشمن بسیار نیرومند بود، و نفیر عام شده بود و لی در مدینه منوره حضرت کعب بن مالک و دو نفر دیگر از مسلمانان نتوانستند دراین نبرد تاریخی اشتراک نمایند، در برگشت پیامبر ﷺ و لشکر مسلمین مردمان به کعب تلقین کردند دروغ بگویند و خود را نجات دهد ولی او دروغ نگفت و قضیه عقب ماندنش را صادقانه تشریح کرد که در نتیجه همین صداقت و راستگویی اش آیات در قرآن کریم در بشارت به بیان قبولیت توبه شان نازل شد و خداوند ﷻ و رسول اش از ایشان راضی شدند.

۷- مردم به اشخاص و افراد صداقت پیشه اعتماد میکنند.

۸- صداقت و راستی باعث برکت در کسب و کار میگردد.

در حدیث آمده است که (خریدار و فروشنده تا وقتی که از هم جدا نشده باشند اختیار دارند، پس اگر در عقد خود راست گویند و عیب و کیفیت مال خود را بیان کنند، در معامله شان خداوند ﷻ برکت می اندازد و اگر دروغ بگویند و عیب مال خود را کتمان کنند برکت معامله شان نابود میگردد.

درس سی و دوم: اطاعت والدین

صفحه: ۶۷

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- بدانند که اطاعت والدین واجب است.
- بفهمند که ناسزاگویی و نافرمانی والدین حرام و گناه است.
- بتوانند در مورد حقوق والدین توضیحات دهند.
- به والدین و بزرگان احترام کنند.

دانش لازمی

اطاعت والدین قرین توحید است

چنانچه که میدانیم اطاعت و فرمان برداری والدین بر فرزندان از مسؤولیتهای بزرگ نظام فامیلی محسوب میشود و الله تعالی در سوره اسراء بعد از اینکه به عبادت و پرستش خویش دستور میدهد به تعقیب آن به رعایت حقوق والدین و احترام و اطاعت آنها نیز امر میکند: (وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا). یعنی: پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو، و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری برسند، به آنان اُف مگو و آنان را از پیش خود مران و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو.

اطاعت والدین واجب است مشروط بر اینکه

اطاعت پدر و مادر در امور روا و مشروع واجب است، شریعت اسلامی مسلمانان را به این مسئولیت دستور داده و عقل سالم آن را می‌پسندد. این اطاعت فرزندان حتی شامل پدر و مادری که مسلمان هم نیستند می‌شود و تنها در اموری که معصیت و نارواست، نباید از آنان اطاعت نمود؛ زیرا در جهت نافرمانی خداوند جل جلاله، نباید از مخلوق پیروی کرد. خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید: (وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ) سوره لقمان (۱۵).

ترجمه: هرگاه آن دو (پدر و مادر) تلاش کردند که چیزی را با خداوند جل جلاله شریک نمایی که کمترین آگاهی در مورد آن نداری، از ایشان اطاعت مکن. در دنیا با ایشان همیشه به صورتی



شایسته رفتار کن و راه کسانی را در پیش بگیر که به جانب من رو کرده‌اند. بعد هم همه به سوی من باز می‌گردند و من شما را از آنچه (در دنیا) می‌کرده‌اید آگاه می‌سازم.

– همیشه خدمات والدین را سپاس گزار باشیم.

یکی از زیباترین آداب در مقابل والدین سپاس‌گزاری از ایشان در برابر آن خدماتی است که ایشان در طول حیات و زندگی ما انجام داده، زیرا در زمان کودکی و جوانی – به ویژه مادر – از هیچ تلاش و دلسوزی و خدمتی به فرزندان خویش کوتاهی نکرده‌اند، به همین خاطر سپاس‌گزاری و قدردانی از زحمات آن‌ها ضروری است، و خداوند متعال شکر و سپاس آن‌ها را در کنار حمد و سپاس خویش قرار داده و فرموده است: (أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلَوْلَدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ).

ترجمه: و مرا و پدر و مادرت را شکر گزار باش و سرانجام به سوی من بازخواهید گشت.

جایگاه مادر از دیدگاه اسلام

هر دو (والدین) هر چند قابل ترحم و مهر ورزی اند ولی مادر در این مورد بر پدر اولویت دارد و باید بیشتر مورد احترام، اطاعت و تواضع قرار گیرد، زیرا به هنگام بارداری، وضع حمل، شیر دادن، نگهداری و تربیت، زحمات زیادی را متحمل گردیده و آسایش فرزندش را بر آسایش خویش مقدم داشته است و بسیاری از شب‌ها را در کنار گهواره کودک – به ویژه به هنگام بیماری و درد – بیدار مانده است، خداوند جلّ و علا متعال در این مورد می‌فرماید: (وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا).

ترجمه: ما به انسان توصیه می‌نماییم که با پدر و مادر خویش به خوبی رفتار نماید؛ زیرا که مادرش با رنج و زحمت او را حمل کرده و با رنج و مشقت به دنیا آورده است و دوران حاملگی و شیرخوارگی او سی ماه به طول می‌انجامد.

درس سی و سوم: اسراف

صفحه: ۶۹

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم ومعنی اسراف را بدانند.
- بفهمند که سرمایه یکی از نعمتهای الهی است.
- برای اینکه اسراف شرعا عمل نادرست است، دلایل بیان کنند.
- خودشان اسراف نکنند.

دانش لازمی

مال نعمت الله تعالى

ثروت و مال در حقیقت یکی از نعمت های الهی بوده و باعث زیب وینت انسان در زندگی دنیوی میباشد الله تعالى میفرماید: ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا﴾ (الکھف ۴۶). یعنی: دارائی و فرزندان، زینت زندگی دنیا اند و اما اعمال شایسته ای که نتایج آنها جاودانه است، بهترین پاداش را در پیشگاه پروردگار دارد، و بهترین امید و آرزو است.

مال و ثروت یک ضرورت بشری

جای شک نیست که ثروت و مال برای اینکه حیات بشری تداوم و استمرار پیدا کند، نهایت ضروریست و هیچ خردمندی از ضرورت آن انکار نمی ورزد و اسلام هم از داشتن ثروت و سرمایه نه تنها منع نمی کند بلکه برای کسب و بدست آوردن آن تشویق و ترغیب می نماید. البته این نکته را فراموش نکنیم که اسلام از کسب مال از مجراهای غیر شرعی مانند غضب، رشوت، سرقت و... شدیداً مسلمانان را بر حذر می دارد چنانچه او تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (بقره ۱۶۸).

ترجمه: ای مردم! از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است بخورید، و پا به پای شیطان راه نیفتید، بی گمان او دشمن آشکار شما است.



و نیز خداوند بزرگ به بندگان خویش دستور می دهد که از تناول مال حرام خودداری کنید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ البقرة (۱۸۸).

ترجمه: و اموال خودتان را به باطل (و ناحق، مثل رشوت، ربا و غصب و دزدی...) در میان خود نخورید و آن را به امراء و قضات تقدیم نکنید تا از روی گناه، بخشی از اموال مردم را بخورید و شما بر آن آگاه باشید.

اسراف یک عمل نادرست

ولی گاهی اوقات انسان مال و ثروت که را در حقیقت نعمت الله تعالی و وسیله تداوم حیات بشری محسوب می شود، در مخالفت با اسلام و شریعت محمدی در مجراهای غیر اسلامی و یا در مجراهای مشروع ولی بدون ضرورت و نیاز با کمال بی اعتنایی صرف میکند که شرعاً آن را اسراف گویند و اسلام از اسراف و در مجموع ضائع کردن ثروت و دارایی منع کرده است و آن شخص را برادر شیطان خوانده است خداوند ﷻ میفرماید: ﴿وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا﴾ (۲۶) إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا الاسراء ۲۷.

ترجمه: حق خویشاوند و مستمند و راه مانده را بده و به هیچ وجه از بی جا خرجی کار مگیر، بی شک بی جا خرج کنندگان برادر شیطان اند و شیطان بسیار ناسپاس پروردگار خود است. و همچنان الله تعالی در جای دیگر میفرماید: (يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ). الاعراف ۳۱.

ترجمه: ای فرزندان آدم! در هر نماز گاه و عبادتگاهی، خود را بیارائید، و بخورید و بنوشید ولی اسراف و زیاده روی نکنید که خداوند ﷻ مسرفان و زیاده روی کنندگان را دوست نمی دارد. و در مورد کسانی که مال را با در نظر داشت هدایات اسلامی مصرف میکنند میفرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ الفرقان ۶۷.

ترجمه: و کسانی که به هنگام خرج کردن نه زیاده روی می کنند و نه سختگیری، و بلکه در میان این دو، میانه روی و اعتدال را رعایت می کنند.

از خلال آیات فوق بخوبی میتوان استنباط کرد که اسلام چقدر در قضیه اموال و ثروت و سرمایه قوانین و اصول اعتدالی و موزون را مطرح کرده است که در واقع اگر به نظر منصفانه دیده شود،

متوجه می‌شویم که اسلام در قسمت قوانین مالی تمام ابعاد و بخشهای آن را در نظر دارد و برای هر بخش قانونی را بیان نموده است که تا صبح قیامت راهگشائی جهان بشریت میباشد، انسان در هر سطح و مقام و جایگاهی که قرار داشته باشد، نمی‌تواند از این قوانین بی‌نیاز باشد.

اسباب اسراف چیست؟

درین قسمت اسباب و عوامل و انگیزه‌های اسراف و تبذیر را بیان می‌کنیم که از آن جمله:

۱- جهل برخی مسلمانان از تعالیم اسلام

مسلمان تا حال درین که اسراف یک امر حرام و نادرست و تعقیب دنیوی (تعزیر) و بازرسی آخروی دارد رانمی‌داند.

۲- سابقه داری در اسراف

احیاناً اشخاص بدلیل اینکه در کنار و آغوش خانواده‌های اسراف کار پرورش و تربیت یافته‌اند بدین خاطر اسراف به عنوان یک عادت مستمر و دایمی همچون معتادی که به مواد مخدر در زندگی‌اش جا گرفته و اکنون اراده و قدرت خود داری از آن را ندارد، میباشد.

۳- عدم آینده‌نگری برخی‌ها برخی‌ها در فکر آینده خود نمی‌باشند و فکر میکنند که همین قدرت و ثروت و امکانات جاویدانه خواهد ماند، در حالیکه هیچ‌کس آینده را تضمین کرده نمی‌تواند و سنت و طریقه خداوندی ﷻ هم در طبیعت همین گونه است که گاه اشخاص ثروت مند به گدای ذیلی مبدل میشوند و افراد بینوا به بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی تبدیل می‌گردند، پس مال و ثروت بی‌جا و بی‌مورد تلف و ضائع نشود و برای ذخیره آخروی و نیز آینده‌های خویش متوجه باشیم.

۴- همنشینی با اسراف‌گران

بعضی اوقات نشست بر خاست با افراد و اشخاص که به صفت بد و نادرست اسراف کاری گرفتارند، انسان را به اسراف کاری و تبذیر و ضائع کردن مال و دارایی و ثروت وامیدارد.

۵- فخر فروشی

هم‌چنان برخی‌ها میخواهند که با اسراف کاری بدیگران نشان دهند که از قدرت و توان مالی بالای برخوردار اند و هرچه خواسته باشند می‌توانند آن را انجام دهند و نیز اینکه دیگران در عروسی و خیرات و ختم‌ها و امثال آن چقدر پول مصرف کردند؟ پس او چرا از آن قدر پول مصرف نکند؟ و اگر نکند دیگران او را ممسک و بی‌غیرت فکر میکنند، این عادات و رسوم جاهلانه است که مردم ما را دچار این معضل کلان ساخته است.

درس سی و چهارم: حجاب

صفحه: ۷۱

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- مفهوم حجاب را بدانند.

- محاسن حجاب اسلامی و معائب بی حجابی را درک کنند.

- از آیات و احادیث برای حجاب معلومات داده بتوانند.

دانش لازمی

هدف اسلام از حجاب چیست؟

دین مبین اسلام در قوانین و دستورالعمل‌های که برای هدایت جوامع بشری ارائه نموده است، به زنان مسلمان توجه خاص و قابل ملاحظه‌ای داشته و در هر مقطع از حیات شان آنها مورد عنایت این دین الهی قرار دارند چه در عرصه دانش و فراگیری علم باشد و چه در زمینه تملک و کسب و کار و چه در قسمت حفظ عزت و کرامت انسانی و اسلامی ایشان، از جمله عنایات الهی به ایشان مسئله حجاب است که در واقع حجاب برای مقید و یا به زنجیر کشاندن آنها نه بلکه در صورتی که بدون تعصب و بدور از تقلیدهای کور کورانه به این قضیه بنگریم میدانیم هدف از حجاب اسلامی در حقیقت حفظ عفت و عزت ایشان است و محدودیت‌هایی که در لباس و زینت زن قرار داده شده است، فقط برای جلوگیری از فساد است که در نتیجه آشکار کردن زینت به وجود می‌آید، لذا آنچه اسلام آورده است، به معنی محدودیت آزادی زنان نیست، بلکه اسلام میخواهد او را از سقوط در گودال ذلت و رسوایی و ابتذال نجات دهد.

اهمیت و جایگاه حجاب در اسلام

۱- حجاب و فرمان بر داری از الله و رسول وی:

رعایت حجاب اسلامی در حقیقت نشانگر پیروی و اطاعت خدا و رسول است و مسلمانی که در مورد حجاب دچار مشکل است، این را بداند که در برابر الله و رسول وی سنگر گرفته و با دستور و فرمان پروردگارش سر مخالفت و طغیان گری دارد خداوند بزرگ میفرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾. یعنی: کاری که خدا و پیامبرش در آن داوری نمایند، هیچ مرد و زن مؤمنی در آن کار، از خود اختیاری ندارند، و هر کس از دستور خدا و پیامبرش، سرپیچی نماید، دچار گمراهی کاملاً آشکاری می‌گردد.

و نیز خداوند ﷻ زنان مسلمان را دستور می‌دهد که باید مواظب و مراقب دید و نظر خویش باشند تا مبادا ملعبه و بازیچه افراد افعی صفت قرار گیرند، او تعالی می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾. یعنی: به زنان مؤمن بگو: چشمهای خود را - از نامحرمان - پایین اندازند، عورت‌های خود را حفظ نمایند و زینت خویش را آشکار نکنند مگر آن مقدار که ظاهر است و روسری‌هایشان را بر گریبان‌شان ببندازند.

حجاب و پاکی از آلودگیها

جای شک و تردید نیست کسانی که متوجه حجاب و مواظب خویش چه در گفتار و چه در رفتار و چه در لباس باشند، با کمال شرافت و عزت و سربلندی در جامعه زندگی میکنند چون وعده خداوندی ﷻ است: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾. **ترجمه:** هنگامی که حاجتی - از وسایل منزل - از آنها یعنی همسران پیامبر، خواستید، از پشت پرده، بخواهید. این کار، برای پاکی دلهای شما و دلهای آنان، بهتر است.

حجاب و تقوی

لباس و پوشش نیک و اسلامی در حقیقت نشان دهنده تقوی و پرهیزگاری شخص محسوب میشود خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ﴾. یعنی: ای فرزندان آدم! ما لباسی برای شما درست کردیم که هم عورات شما را می‌پوشاند و هم مایه تجمل و زیبایی شما می‌گردد اما بدانید که لباس تقوا، بهترین لباس است.

ویژگیهای لباس اسلامی (حجاب) می‌خواهیم در ذیل این سطور به مواصفات و ویژگیهای

لباس (حجاب) اسلامی را ذکر کنیم تا این سوال باقی نماند که پس حجاب اسلامی یعنی چه؟ - همه بدن زن را بپوشاند.

- خودش زینت نباشد.

- وسیع و فراخ باشد

- معطر و خوشبو نباشد.

- مشابه با لباس زنان غیر مسلمان نباشد.

- مشابه با لباس مردان نباشد.

- لباس مشهور نباشد.

اینها شروط و مواصفاتی هستند که از کتاب و سنت و آثار سلف امت ثابت هستند.



درس سی و پنجم: فضایل صدقه

صفحه: ۷۳

وقت: یک ساعت درسی.

اهداف درس: شاگردان باید:

- فضائل صدقه را بدانند.

- بتوانند درباره صدقه توضیحات دهند.

به صدقه دادن و دستگیری بینوایان علاقه مند شوند.

دانش لازمی

انفاق در راه خداوند ﷺ

خرج وانفاق در راه الله تعالی آن هم از نعمتهای که او تعالی در اختیار بنده اش گذاشته است، نشانگر لطف و مرحمت بی پایان خداوند بزرگ است پس انسان مسلمان باید از این فرصتها استفاده نموده زمینه تقرب الهی را برای خود فراهم بسازد او تعالی میفرماید: ﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.

ترجمه: گروهی از عرب های بادیه نشین، به خدا و روز آخرت ایمان دارند و انفاق خویش و دعاهاى رسول خدا را مایه تقرب به خداوند می دانند، آگاه باشید این ها، مایه تقرب آن هاست، به زودی خداوند ﷺ آن ها را در رحمت خود وارد خواهد ساخت و به یقین خدا آمرزنده و مهربان است.

صدقه و آرامش روحی

از نتایج و بازتابهای نیک و خیر خرج در راه خداوند ﷺ این است که انسان به آرامش روحی و اطمینان کامل دست پیدا میکند چنانکه او تعالی فرموده است: (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ).

ترجمه: کسانی که اموال خود را در شب و روز و نهان و آشکار انفاق می کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.

صدقه باعث بخشش گناهان میشود

الله تعالی میفرماید: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ... لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾.

ترجمه: و خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت... اگر نماز به پا دارید و زکات را بپردازید و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاد کنید و به خدا قرض نیکو دهید (در راه او به نیازمندان کمک کنید) گناهان شما را می پوشانم و شما را به باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می کنم.

در یک صدقه چندین نفر پاداش میگیرند

چنانچه از عائشه صدیقه روایت شده است که آن حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (إِذَا أَنْفَقْتَ الْمَرْأَةَ مِنْ طَعَامٍ بَيْتِهَا غَيْرَ مَفْسُودَةٍ كَانَ لَهَا أَجْرُهَا بِمَا أَنْفَقْتَ، وَلِزَوْجِهَا أَجْرُهُ بِمَا كَسَبَ، وَلِلْخَازِنِ مِثْلُ ذَلِكَ، لَا يَنْقُصُ بَعْضُهُمْ أَجْرَ بَعْضٍ شَيْئًا). یعنی: چون زن از غذای خانه خود درحالی که نیت تخریب کاری نداشته باشد، در راه خداوند جَلَّ جَلَالُهُ خرج کند، الله تعالی برای وی پاداش انفاقش را، برای شوهرش پاداش کسبش را و برای نگهبان نیز پاداش میدهد و اینها یکی از دیگری ثواب را کم نمیکند.